

انقلاب و اتحاد

حمید تقوایی، تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید، صفحه ۲



سال نو مبارک

به پیشواز سال جدید، سال اراده برای پیروزی

یاشار سهندی، صفحه ۸

حداقل دستمزدها تعیین شد

فقر فساد گرانی میریم تا سرنگونی، شهلا دانشفر، صفحه ۴

مردم کردستان زیر بار هیچ ستمی نخواهند رفت

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۷

تا خاتمه حملات شیمیایی به مدارس با اعتصاب کلاسهای درس را تعطیل کنید!

صفحه ۹

اخباری از مبارزات کارگری برگرفته از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۰

تجمع بزرگ مردم زاهدان در آخرین جمعه سال ۱۴۰۱، اعدام ۶ نفر در ارومیه و اعتراض مردم

صفحه ۶

تجمعات گسترده بر مزار جانباختگان انقلاب در آخرین هفته سال و دو خبر دیگر

بازداشت مجدد سپیده قلیان، صفحه ۵

گاشمار و رویدادنگاری اعتراضات و اعتصابات در صنعت نفت سال ۱۴۰۱

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۳

ندای زنان ایران: از منشور مطالبات پیشرو زنان حمایت کنیم!

برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۷۱

۲۹ اسفند ۱۴۰۱

۲۰ مارس ۲۰۲۳



چهارشنبه ها منتشر میشود

کارگران و جنبش بزرگ

علیه فقر

کورش متین، صفحه ۶

تجمع بازنشستگان نامین

اجتماعی، آزادی مختار

اسدی و تجمع معلولان

گرانی، تورم، دشمن جان مردم

صفحه ۸

چهارشنبه سوری یک روز

پر طنین انقلاب

صفحه ۷

از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۱-۱۶

اعدام زندانی سیاسی،

محمی الدین ابراهیمی را با

اعتراض وسیع پاسخ دهیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۱۰



انقلاب و اتحاد

گفتگو با حمید تقوایی در برنامه تلویزیونی پاسخ

قبلا هم در ۲۷ بهمن ماه همین نهادها بودند که فراخوان موقتی دادند، در ۸ مارس روز جهانی زن هم همینطور و در چهارشنبه سوری هم ما شاهد این بودیم. میتوان گفت که در دو سطح این چهارشنبه سوری بروز و نماد اتحاد بود: هم در سطح خیابان و هم در سطح فعالین و تشکل‌های فراخوان دهنده.

حسن صالحی: حزب کمونیست کارگری همیشه بر خصلت همگانی انقلاب تاکید کرده است. آیا بحث ضرورت اتحاد که امروز در میان نیروهای اپوزیسیون مطرح است بروزی از همین خصلت همگانی انقلاب است؟

حمید تقوایی: همه به نوعی از اتحاد و همکاری و همیاری و غیره صحبت میکنند ولی بحث ما هیچوقت در مورد احزاب نبوده است. بحث ما مشخصا در مورد اتحاد صفوف مردم است. انقلاب همگانی است یعنی بخش اعظم جامعه، اکثریت مردمی که از این شرایط کاملا دیگر طاقتشان تاق شده است و نمیتوانند این شرایط را تحمل کنند، اینها متحدانه به خیابان می آیند، قیام میکنند و دست به مبارزه میزنند. هر انقلابی اینطور شکل میگیرد. این شرایط مختص شرایط ویژه ایران نیست، هر انقلابی به این معنا همگانی است. یعنی بخش عمده ای از جامعه، که امروز با اصطلاح گویای ۹۹ درصدی ها به آنها رجوع میشود و همه از نظر اقتصادی، از نظر سیاسی و اجتماعی تحت فشار و تنگنا هستند و زندگی برایشان دیگر غیر قابل تحمل شده است، اینها به خیابان می آیند تا شرایط را عوض کنند. این تعریف انقلاب است. تحولی که به این معنایی که توضیح دادم همگانی نباشد اصلا انقلاب نیست. ممکن است که جنبشهای اعتراضی در میدان باشند، بخشهای مختلف جامعه برای مطالباتی مبارزه کنند، آنطور که در سالها اخیر در جامعه ایران شاهد بودیم، ولی انقلاب زمانی شکل میگیرد که بخش اعظم جامعه علیه حکومت و علیه نظام به

حسن صالحی: از ابتدای انقلاب جاری موضوع اتحاد مردم مطرح بوده است. هم در مبارزات خیابانی شاهد شعارهای وحدت بخش بوده ایم و هم احزاب و نیروهای سیاسی برای کنار هم قرار گرفتن و متحد شدن در تلاش بوده اند. اما قبل از اینکه مستقیما وارد این موضوع بشویم خوبست در مورد اعتراضات گسترده در چهارشنبه سوری هم اشاره ای داشته باشیم. این اعتراضات هم جلوه و بروزی از اتحاد مردم بود. قبل از هر چیز مایلیم نظراتان را در مورد چهارشنبه سوری که پشت سر گذاشتیم بدانم

حمید تقوایی: همانطور که گفتید این چهارشنبه سوری علاوه بر اینکه نشاندهنده اعتراضات گسترده ای در جامعه بود در عین حال نشان دهنده وحدت عمیقی بین مردم بود. ما در حرکت‌های سابق هم این را مشاهده کرده بودیم ولی بعد از یک دوره افت نسبی اعتراضات در ۲۳ اسفند در یک سطح بسیار وسیعی در دهها شهر و صدها محله مردم به خیابانها آمدند، حجابها را سوزاندند و دور آتش رقصیدند. نفس رقصیدن در خیابان یعنی لرزه انداختن بر تن جمهوری اسلامی! چه برسد به شعارهایی که علیه حکومت، علیه خامنه ای و دیکتاتوری دادند، آتش زدن عکس خانه ای و بنرهای حکومتی و فراری دادن نیروهای سرکوب و کلا همه شیوه های مبارزاتی که در ششماه اخیر شاهد آنها بوده ایم.

از یک جنبه دیگر هم اعتراضات چهارشنبه سوری نمونه اتحاد بود. فراموش نکنیم که این چهارشنبه سوری در بطن یک فراخوان سه روزه برگزار شد که بیش از پنجاه و پنج تشکل دانشجویی، جوانان، دانش آموزان، پزشکان، تشکلهای دفاع از حقوق زن و غیره فراخوانش را داده بودند. میخواهم بگویم که هم در خیابان و مبارزه میدانی ما شاهد اتحاد بودیم و هم در سطح تشکلهای و نهادهای دست اندرکار و فراخوان دهندگان این مبارزات.

شدند. دختر جوانی نوشته بود راننده تاکسی ها مودب شده اند و فوری مردم را سوار میکنند، و در خیابان ها در محلات عمومی همه به هم لبخند میزنند. این یعنی تغییر رفتار اجتماعی که معمولا در انقلابها رخ میدهد.

اکثریت عظیم جامعه عزم جزم کرده است که این حکومت برود و به این معانست که ما همیشه گفته ایم انقلاب همگانی است ما همیشه از جمله در کنگره اخیر حزب شعار "ما همه با هم هستیم" را در همبستگی میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، خانواده های دادخواه و زندانیان سیاسی و رنگین کمانی ها و غیره تفسیر کردیم و معنی واقعی اش هم همین است. امروز می بینیم که همه اینها کنار هم هستند.

این نکته را هم بگویم که این همگرایی جامعه، این همبسته بودن مردم، هم در منشور بیست تشکل صنفی و مدنی که در ۲۵ بهمن منتشر شد کاملا خودش را نشان میدهد و هم در منشوری که در ۸ مارس از طرف زنان پیشرو مطرح شده است. این دو سند بروشنی نشان میدهند که معنی همبستگی و معنی همگانی بودن انقلاب چیست. این اسناد از نظر مضمون و از نظر اهدافی که اعلام میکنند حرف دل اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را مطرح کرده اند.

حسن صالحی: در پایان صحبتتان از اتحاد میان مردم صحبت کردید. سوالم اینست که این اتحاد میان مردم حول چه خواستههایی میتواند شکل بگیرد؟ شما بدرست به منشورهای منتشر شده اشاره کردید. در این مورد بیشتر توضیح بدهید.

خیابان می آید. در جامعه ایران هم چند جنبش انقلابی داشتیم، چند خیزش داشتیم مثل ۹۶، و یا ۹۸. اما امروز از همیشه قویتر و سراسری تر و رادیکالتر جامعه بپاخاسته است. این خیزش توده ای مردم علیه حکومت و برای تغییر ریشه ای وضعیت موجود خود از همان روزهای اول اعلام کرد که این اعتراض نیست، اسمش انقلاب است. شعار داد از کردستان تا زاهدان و بلوچستان همه با هم هستیم، شعار داد کرد، بلوچ، آذری آزادی و برابری. یعنی حتی به تفرقه افکنی که همیشه حکومتی ها تلاش کرده اند بین مردم استانهای مرزنشین با بقیه مردم ایجاد کنند خیابان به روشنی و قاطعانه پاسخ داد. در چهارشنبه سوری هم اینطور بود. کلا در همه اعتراضات، راهپیمایی های خیابانی و اعتصابات ما صفوف مردم را در کنار هم میبینیم. این بطور عینی صحت بحث ما را نشان میدهد که انقلاب پدیده ای است همگانی و بخش اعظم جامعه در آن دخیل میشود.

تا آنجا که به انقلاب جاری مربوط میشود ممکن است از نظر عددی هنوز اکثریت و حتی ۴۰ یا ۳۰ درصد جامعه در خیابانها نباشد. با پیشروی بیشتر انقلاب این هم اتفاق خواهد افتاد ولی نکته مهم اینست که همین امروز هم آن بخشی که در خیابانها است، همه مردم، ۹۹ درصدی ها را، نمایندگی میکند. مردم دلشان با این حرکت است و از اعتراضات و شعارهای خیابانی وسیعا حمایت میکنند. نظر پرسی ها حاکی از حمایت بیش از هشتاد درصد جامعه از اعتراضات است. در مدیای اجتماعی کلیپ هایی می بینم که مرا بیاد روزهای انقلاب ۵۷ میاندازد. میگویند که مردم با هم مهربان

انقلاب و اتحاد...

از صفحه ۲



حمایت فعال از این دو سند برخیزد و حزب ما به نوبه خودش این سیاست را پیگیرانه دنبال میکند.

حسن صالحی: نیروهای اپوزیسیون راست تا کنون تلاشهای زیادی در جهت ائتلاف و همبستگی بین نیروهای سیاسی داشته اند. نظر شما در مورد این تلاشها چیست؟

حمید تقوایی: این نیروها مدتی است که بحث اتحاد را مطرح میکنند و تلاشهای مختلفی هم کرده اند. یک زمانی تونیهایی مشترک دادند، بدنبال آن کمپین وکیل و وکالت براه انداختند، الان هم شش نفرشان منشوری را منتشر کرده اند. اینها تلاشهایی است برای جمع کردن نیروهای همجنس و هم نظر و هم خط خودشان. ادعا میکنند که این به نفع انقلاب است. میگویند چون همه مخالف جمهوری اسلامی هستیم باید متحد بشویم که این حرف بنظر من خیلی سطحی است. در آن سندی که داده اند حتی از سرنگونی صحبت نکرده اند. مردم میگویند بسیجی و سپاهی داعش ما شمائی، مرگ بر خامنه ای و جمهوری اسلامی نمیخواهیم. اما اینها سندی میدهند برای گذار و حتی کلمه سرنگونی را بکار نمیرند و برای ادغام سپاه در ارتش! جالب است که انتشار این سند حتی بین صفوف خودشان جدال و کشمکش ایجاد کرده است. بعضی طرفدار سلطنت مطلقه هستند و بعضی سلطنت مشروطه، بعضی ها جمهوریخواه هستند و بعضی خواهان سلطنت انتخابی! این جنبش یک سندی داده است که خودش را دور خودش جمع کند اما حتی این کار را هم نتوانسته بکند. در بین خودشان اختلاف افتاده چه برسد به صفوف مردم.

یک خاصیت و یا یک عارضه مهم این سند تفرقه افکنی بین مردم منسوب به فارس و غیر فارس است. این سند خیلی روشن اعلام میکند که یکی از وظایف ارتش این است که از یکپارچگی سرزمین ایران دفاع کند. این یکپارچگی یعنی چه؟ یعنی اگر مردمی که در کردستان زندگی

حمید تقوایی: یک نکته که ما قبل از این انقلاب هم بر آن تاکید داشتیم این بود که تا آنجایی که به احزاب و نیروهای سیاسی مربوط میشود اتحاد آنها و صرفا در کنار هم قرار گرفتن و دیالوگ برقرار کردن بین احزاب چیزی را نشان نمیدهد. اتحاد وقتی معنی دارد که در خدمت انقلاب باشد و ازینرو سیاست، شعارها و اهدافی که حولش اتحاد شکل میگیرد بسیار مهمتر از این است که چه احزابی با چه عرض و طولی و با چه موقعیت اجتماعی پای این کار رفته اند. به عبارت دیگر اتحاد از نظر ما یک نوع جمع عددی و جمع جبری افراد یا احزاب نیست بلکه مهم این است که حول چه سیاست و اهدافی متحد میشوید. اگر سندی، اگر بیانیه ای و یا مانیفستی محور اتحاد باشد که با انقلاب مردم مغایر باشد این اتحاد به ضرر انقلاب و به ضرر توده مردمی است که خواستهای برحق دارند و برای تحقق اش بلند شده اند. برعکس ممکن است که نیروهایی کمی دور هم قرار بگیرند و ائتلاف کنند ولی خواستهایی انسانی و آزادیخواهانه شفاف، روشن و عمیقی را روی میز بگذارند. این دومی است که مورد تأیید ما است.

ما فکر می کنیم اتحاد حول سیاست معنی دارد. حول مانیفست ها، منشورها، بیانیه ها معنی دارد و به نظر من همین دو سندی که اشاره کردم، منشور ۲۰ شکل صنفی و مدنی و منشور مطالبات پیشرو زنان، محور اتحاد صفوف مردم است. اینها به نظر من اسنادی هست که بطور واقعی و عملی حرف دل بخش عظیمی از جامعه است. مثلا منشور ۲۰ شکل خواستهای برحق تمام بخشهای جامعه، کارگران، زنان، رنگین کمائی ها، طرفداران حفظ محیط زیست، کودکان، دادخواهان و کل ۹۹ درصدی ها را بیان میکند و به این معنا کاملا متحد کننده است. ما فکر میکنیم اتحاد بین احزاب و نیروهای سیاسی در این شرایط مشخص که خوشبختانه این سندها منتشر شده است امروز دیگر پایه و مبنای واقعی دارد. هر نیرویی که خودش را انقلابی میدانند، خودش را آزادیخواه میدانند، بنظر ما باید به

میکند و یا در استانهای مرزی دیگر به ستم ملی اعتراض کنند دولت مرکزی به بهانه بخطر انداختن یکپارچگی کشور ارتش را به سراغشان خواهد فرستاد! هیچ حزبی در ایران جدائی طلب نیست ولی این حق مردم تخت ستم ملی است که بخواهند جدا شوند. این سند میگوید که ارتش را سراغتان میفرستیم. تجربه ای که مردم کردستان و مردم آذربایجان و برخی مناطق دیگر ایران از دوره سلطنت پهلوی تا امروز دارند، سرکوب هر نوع اعتراض به ستم و تبعیض ملی تحت عنوان تجزیه طلبی است. منشور کدائی ۶ نفره هم عملا همین چشم انداز را مقابل جامعه قرار میدهد آن هم در حالی که مردم در خیابانهای ایران فریاد میزنند کرد، بلوچ، آذری آزادی و برابری و یا کردستان چشم و چراغ ایران.

بطور واقعی و عملی هیچ حزبی در ایران تجزیه طلب نیست، مردم هیچ استانی تجزیه طلب نیستند ولی مساله این است که اگر بخواهند جدا بشوند دولت مرکزی حق ندارد لشکر بکشد و آنها را سرکوب کند. با اعمال زور و قهر و لشکرکشی نمیتوان کشور را یکپارچه نگاهداشت. باید حق جدائی را برسمیت شناخت. همانطور که در کشورهای متمدن دنیا تمامیت ارضی یک تابو نیست. بعنوان نمونه در کشور کانادا دوبار ایالت کبک رفتارم برای جدائی انجام داده است. رای نیاورده است اما حزب تجزیه طلب کبک رسمی است، فعالیت میکند و در پارلمان نماینده دارد. کشورهایی که بویی از تمدن برده اند اینطور رفتار میکنند. میخواهم بگویم علاوه بر اینکه از سرنگونی و از خواستهای

برحق مردم، که در منشور ۲۰ شکل ما می بینیم روشن و شفاف اعلام شده است، در منشور کدائی نفره هیچ اثری نیست، بلکه سندی است تفرقه افکنانه و نفی کننده حقوق پایه ای مردم بویژه در کردستان و دیگر استانهای مرزی.

نکته بعدی این است که اساس این سند تعهد به قوانین و کنوانسیون ها و پلانقرم های بین المللی است. مردم ایران برای رعایت کنوانسیون ها بین المللی به خیابان نیامده اند. جمهوری اسلامی هم عضو بسیاری از این قراردادهای جهانی هست و هیچ تضمین عملی برای پایبندی هیچ دولتی به این کنوانسیونها وجود ندارد. ولی حتی اگر چنین هم نبود این کنوانسیونها ربطی به خواستهای انقلاب مردم ایران ندارند. امضا کنندگان منشور ۶ نفره نخواستند اند از آزادی صحبت کنند، نخواستند اند از حقوق مردم صحبت کنند، مردم را حواله داده اند به کنوانسیون حقوق بشر و کنوانسیون محیط زیست و کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون ها حقوق کارگر و غیره. اگر این کنوانسیون ها دردی از مردم دوا میکرد الان دنیا به این وضعیت نبود.

خطاب این سند اساسا مردم ایران نیست، خیابان نیست. این یک مانور دیپلماتیک است برای جلب نظر دولتها. اساسا به این منظور نوشته شده است بنابراین از هر زاویه ای که نگاه کنید این سند ربطی به انقلاب و به اتحاد مردم در این انقلاب ندارد که برعکس در نقطه مقابل آن است و سندی است تفرقه افکنانه و علیه خواستهای برحق مردم ایران.

حداقل دستمزد تعیین شد فقر فساد گرانی میریم تا سرنگونی

شهلا دانشفر

جلسه شورایی کار جمهوری اسلامی برای تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲ در روز گذشته تا ساعت یک و نیم بامداد ۲۹ اسفند ادامه یافت و سرانجام چوب حراج را بر کارگر زدند و حداقل مزد ماهانه سال آتی پنج میلیون و ۳۰۷ هزار تومان تعیین شد. به گفته خود حضرات حکومتی بر اساس این تصمیم مزد کارگران برای کف بگیران ۲۷ درصد و برای متوسط بگیران ۲۱ درصد "افزایش" داشته است. البته به گفته مرتضوی وزیر کار رئیسی این حداقل با دیگر مخلفاتش به ۸ میلیون و ۲۱۲ هزار تومان خواهد رسید. با این وعده که اگر تورم کنترل نشد، مزد ترمیم میشود و بدینگونه به خیال خود میکوشند تا قال قضیه را بکنند. اما این تصمیم جنایتکارانه در حالی گرفته میشود که در همین روزهای اخیر سقوط ریال و افزایش قیمت دلار به بالای شصت هزار تومان خبر ساز شد. و در نزاعهایشان از انواع و اقسام آمار خط فقر سخن گفتند و یکی از روزنامه های حکومتی خط فقر را سی میلیون تومان اعلام کرد و جلسه قبلی آنها به گفته خودشان بر سر اختلاف بین اینکه سید هزینه دوازده میلیون است یا هفده میلیون بی نتیجه خاتمه یافته بود.

طنز قضیه اینجاست که علی خدایی بعنوان "نماینده کارگران" بعد از این تصمیم گیری با وقاحت تمام به کارگران اطمینان میدهد که "گروه کارگری" آنها در "دفاع" از کارگران کم فروشی نکرده اند! واقعا عجب بازار مکاره ای! گفته خنده دار دیگر او در مورد رضایت آنها به این مصوبه در شورایی کار است و میگوید: "نمایندگان کارگران در شورایی کار در واقع چه با امضاء و چه با حضور بدون امضای خود در این نشست، به نوعی به مصوبه مزدی صورت گرفته رضایت دادند و تایید جلسه و مصوبه از سوی آنها به منزله رضای بودن گروه کارگری از نظر قلبی نیست." عجب رقت قلبی!

این چنین است که در ادامه همان



انقلاب و اتحاد...

حسن صالحی: مشخصا در شرایط حاضر وحدت صفوف انقلاب را چگونه میتوان تامین کرد؟

حمید تقوایی: امروز خوشبختانه منشور اتحاد و همبستگی صفوف انقلاب اعلام شده است. قبل از ۲۵ بهمن باید خط و سیاستی را روی میز میگذاشتیم اما این خط و سیاست امروز در دست است. منشور ۲۰ شکل همانطور که گفتم حرف دل مردم است، حرف دل همه اقشار تحت ظلم و ستم و آزادیخواه در جامعه در این سند منعکس است.

خواستههای این منشور از آسمان نازل نشده است، مدتها جنبش های اعتراضی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دادخواهی، بازنشستگان و معلمان و غیره برای همین خواستها مبارزه کرده اند. منشور کاری که در دل این انقلاب کرده اینست که این خواستها را در یک جا جمع کرده و یک تصویر روشن و شفاف از معنی پیروزی انقلاب زن، زندگی آزادی بدست داده است. بروشنی در مورد دولت، دموکراسی مستقیم مردم، و حق اینکه مردم میتوانند مقامات را هر موقع که بخواهند عزل کنند صحبت کرده و اداره شواری را مطرح کرده است. اداره شواری قبلا توسط کارگران هفت تپه مطرح شده بود. آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه علیه اعدام هم یک جنبش اعتراضی در جامعه است، اعتراض به پرونده سازیهای امنیتی و آزادی همه زندانیان سیاسی هم بارها از جانب فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی اعلام شده است، انحلال همه نیروهای سرکوبگر، محاکمه همه عاملین و آمرین جنایتهای چهل ساله اخیر هم مدتهاست که خواست جنبش دادخواهی است. همه اینها در این منشور مطرح شده و به این معنا یک تصویر و یک افق روشنی بدست میدهد از معنی پیروزی انقلاب زن، زندگی آزادی. این منشور از دل جامعه در آمده، از دل انقلاب و جنبش های اعتراضی، جنبش کارگری، دادخواهی، جنبش زنان و غیره سر بلند کرده و خواست همه را در بر دارد. این مانیفست انقلاب و سند اتحاد صفوف

نمایش تهوع آور و مسخره هر ساله مثنی سرمایه دار مفتخور و دزد و شکم سیر در شورای عالی کار در سیرک سه جانبه مسخره شان که دو جانب آن نمایندگان دولت و کارفرمایان هستند و جانب سومیش هم نمایندگان تشکلهای دست ساز حکومتند که به اسم "نماینده کارگران" در این تصمیم گیری شرکت دارند، به چنین اجماعی رسیده اند و اسمش را هم "افزایش دستمزد" میگذارند. با این تفاوت که امسال اینان در وضعیتی به مراتب سخت تر و در دل انقلاب زن زندگی آزادی که یک محور آن "زندگی" است، ناگزیر شدند که بنشینند و تا نیمه شب بر سر یکدیگر بکوبند و به چنین اجماعی برسند. بگذریم که به یکنفر از سه "نماینده کارگری" در شورایی عالی کار مصوبه را امضا نکرده است تا بلکه در مقابل بالا گرفتن اعتراضات کارگران جایی برای بازی های بعدی خود داشته باشند. همه اینها و گفته هایی از نوع سخنان علی خدایی و دار و دسته های مزدوران خانه کارگری در شورایی عالی کار بیش از هر چیز استیصال و سراسیمگی حکومتیان را در برابر کارگران و جامعه ای که با شعار فقر فساد گرانی میریم تا سرنگونی، هر روزه عزم خود را برای پایان دادن به این بساط توحش و بردگی اعلام میکنند، به نمایش میگذارد.

تصمیم شورایی عالی کار بر سر میزان حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲ و تعیین رقم ۵ میلیونی در دل انقلاب زن، زندگی آزادی بدون شک آتشی دیگر بر باروت خشم و انزجار مردم به جان آمده از فقر و بی تاملی خواهد زد و اعتراضات گسترده کارگران را بدنبال خواهد داشت.

بویژه اینکه بخش دیگری از تعرض به دستمزدها و سطح معیشت کارگران در همان لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ صورت گرفته است و بر اساس آن حقوق کارکنان

از صفحه ۳

مردم است. هر نیروی مدعی آزادیخواهی، مدعی دفاع از حقوق بشر، و مدعی حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی باید حول این منشور گرد بیاید. نه تنها بیانیه حمایت بدهد بلکه بند بندش را در دستور بگذارد و برای تحققش مبارزه کند.

در سطح جهانی هم باید منشور ۲۰ تشکل را روی مز دولتها گذاشت و اعلام کرد این منشوری است که از دل جامعه و انقلاب ایران بیرون آمده و آزادی و برابری و رفاهی که مردم ایران میخواهند را بطور مشخص در ۱۲ بند بیان کرده است. این حرف دل مردم ایران است و دولتها و نهادهای بین المللی باید بدانند که ما حکومتی میخواهیم که این قوانین و این خواستها را پیاده کند.

تا آنجا که به اتحاد مربوط میشود محور اصلی اتحاد همانطور که تاکید کردم آرمان و اهداف و خواستههای انقلاب است که امروز در منشور بیست تشکل و در کنارش منشور مطالبات پیشرو زنان تبیین و اعلام شده است. یک محور و رکن اصلی این انقلاب آزادی زن است و منشور مطالبات پیشرو زنان معنی رهائی زن را به نحو جامع و شفاف بیان کرده است. این دو منشور تصویر جامعی بدست میدهد از اهداف انقلاب، از آرمانهای انقلاب و راه به پیروزی رسیدن انقلاب. محور هر نوع وحدت و ائتلافی، اگر میخواهد به انقلاب ایران خدمت کند، حول این منشورها امکان پذیر است. فراخوان ما به همه نیروهای فعال در انقلاب جاری اینست که به این اسناد برآمده از دل انقلاب بپیوندند.

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید - ۲۵ اسفند ۱۴۰۱
با تشکر از امیر توکللی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

**به حزب کمونیست کارگری
بپیوندید!**

tamas.wpi@gmail.com

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @sazmande



تجمعات گسترده بر مزار جانباختگان انقلاب در آخرین هفته سال و دو خبر دیگر

بازداشت مجدد سپیده قلیان

امروز پنجشنبه ۲۵ اسفند در هفته آخر سال ۱۴۰۱ خانواده های جانباختگان انقلاب در همراهی با مردم بر سر مزار عزیزانشان جمع شدند. حضور گسترده مردم در این مناسبت بیش از پیش نشانگر عزم جزم مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. از جمله در این روز مزار جانباختگان انقلاب در شهرهایی چون سقز، سنندج، بوکان، اراک، تبریز، دیواندره و... به محل اجتماعات بزرگ مردمی و گرامیداشت این عزیزان تبدیل شد. در سقز بسیاری از مردم همراه با خانواده مهسا بر سر مزار مهسا امینی این نماد انقلاب زن، زندگی، آزاد در قبرستان آچی جمع شدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند.

در سنندج جمعیت زیادی از مردم برای گرامیداشت یاد جانباختگان به سوی قبرستان آرامستان بهشت محمدی شهر رفتند و شمار بسیاری از آنها در حسن آباد و قبرستان این شهر گرد آمدند. از صبح این روز نیروهای اطلاعاتی پیرامون این آرامستان جولان میدادند و تا مانع ورود این نیروها به آرامستان شوند. علیرغم آن جمعیتی گسترده در این شهر به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی و فریاد زن، زندگی، آزادی را سر دادند. از جمله جمعیت زیادی بر سر مزار هومن عبدالهی گرد آمدند.

در بوکان در روز گذشته ۲۴ اسفند پیکر شیرزاد احمدی نژاد، که یکماه پس از ربایش، زیر شکنجه نیروهای اطلاعات

سپاه ارومیه جانباخت، در حال انتقال به شهر بوکان بود که مردم در تمامی خیابانهای این شهر با خشم و اعتراض به خیابانها آمدند و شعار دادند.

در دیواندره مردم بر مزار محسن محمدی، حبیب مرادی، فواد سواری و فواد قدیمی گرد آمدند و یاد آنها را گرامی داشتند. در اراک مردم مزار مهرشاد شهیدی را گلباران کردند و در تبریز مردم بر سر مزار یلدا آقافضلی جمع شدند و یاد او را گرامی داشتند. در کامیاران نیز مردم به همراه سهیلا ابراهیمی همسر فواد محمدی بر سر مزار او در روستای ماویان شهرستان کامیاران جمع شدند و یاد او را گرامی داشتند. در مهاباد مردم بر مزار جانباختگان انقلاب از جمله مزار سمو مولودی جمع شدند و در خرم آباد تجمعی بر سر مزار نیکا شاکرمی با حضور خانواده و گروهی از مردم بر پا شد. در شاهین شهر نیز مردم مزار محمد حسن ترکمان را گلباران کردند و به یاد او جمع شدند. در تهران گروهی از مردم بر مزار محسن شکاری که بدست جانیان اسلامی در هفدهم آذر ماه اعدام شد و بر مزار حمیدرضا روحی در بهشت زهراي تهران جمع شدند. تجمع دیگر در مزار نگین عبدالملکی در آرامستان قلعه در قروه انجام گرفت. در تبریز نیز در آرامستان وادی رحمت مراسم گرامیداشت و تجدید پیمان با آیلاتر حقی یکی دیگر از جانباختگان انقلاب بود. این تجمعات علیرغم اینکه نیروهای انتظامی همه جا

آزادی در مقابل زندان اوین شادمان از موفقیت جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی علیه خامنه ای شعار اعتراضی سر داد و در ایستگاهرامش نوشت: "بعد از چهار سال و هفت ماه از پرونده هفت تپه آزاد شدم. این بار به امید آزادی ایران اوادم بیرون! آزادی او همگان را شاد کرد. اما این شادی به چند ساعت نرسید که خبر بازداشت مجدد وی توسط ۲۰ مامور سرکوب حکومت در مسیر دزفول منتشر شد. خانوادهی قلیان برای پیگیری وضعیت سپیده قلیان به ستاد خبری اطلاعات اراک رفتند و هنوز خبری از او در دست نیست. سپیده قلیان یک اسطوره انقلاب است. سپیده قلیان، دستگیر شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. با قدرت انقلاب در زندانها را باز میکنیم.

ناپود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اسفند ۱۴۰۱، ۱۶ مارس ۲۰۲۳

را امنیتی کرده بودند، صورت گرفت. در این مراسم ها مردم شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "زن زندگی آزادی"، "نه سلطنت نه رهبری دموکراسی برابری"، "خامنه ای قاتله، حکومتش باطله"، "مرگ بر حکومت کودک کش"، "ژن ژیان نازادی".

امروز همچنین معلمان در مریوان در اعتراض به پاسخ نگرقتن خواستهای خود و فشارهای امنیتی حکومت در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. بنا بر خبر دیگر حسین رمضانپور از فعالان معلم در بجنورد بازداشت و راهی زندان شد.

و خبر مهم دیگر بازداشت دوباره سپیده قلیان چهره شناخته ای که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود بعد از چند ساعت آزادی است. او روز ۲۴ اسفند در ادامه آزاد کردنهای بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی در زیر فشار مبارزات مردمی آزاد شده بود. سپیده قلیان پس از

فقر و تعرضات معیشتی حکومت بر کارگران و کل جامعه را می طلبد. تاکید من بر شکل دادن به چنین اعتراضاتی در سطح سراسری، بر اعلام فراخوانهای مشترک اعتراضی برای تجمعات و بر تدارک اعتصابات سراسری کارگری است. و این اعتراضی است که خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکند و میتواند انرژی بخش اعتراضات گسترده مردمی در کف خیابان باشد. در تداوم انقلاب به تدارک اعتصابات سراسری کارگری برویم.

اسلامی را جارو کند قدرت بخش اعتراضات مردمی در کف خیابان خواهد شد. اعتراضاتی که میتواند به سرازیر شدن سیل جمعیت وسیع مردمی به خیابان منجر شود.

پیشک سال ۱۴۰۲ سال اعتراضات گسترده کارگری نه فقط بر سر مزد و معیشت بلکه برای دستیابی به زندگی انسانی خواهد بود. سالی در تداوم گسترده تر انقلاب خواهد بود. این شرایط بیش از هر وقت بر اتحاد سراسری کارگری علیه فقر و بی تامینی و دستمزدهای زیر خط

از صفحه ۴

حداقل دستمزد تعیین شد...

دولت و همراه با آنها کارگران بخش دولتی فقط بیست درصد "افزایش" مزدی خواهد داشت. به این معنا که حتی همین مصوبه دستمزد چندین و چند بار زیر خط فقر شورای عالی کار نیز شامل آنان نمیشود و در همین مدت در اعتراض به این لایحه و تعرض حکومت به معیشت مردم، شاهد تجمعاتی از سوی کارکنان شاغل در نفت و کلاه زدها بوده ایم و قرار و مدارهایی

برای ادامه گسترده تر اعتراضات در آغاز سال آتی گذاشته شده است. کارگران کل این بساط توحش و بردگی را قبول ندارند و امروز اعتراض به دستمزدهای چندین و چند بار زیر خط فقر پرچم اعتراض علیه تبعیض ها و حقوقهای نجومی و حکومت دزدسالار حاکم است. و این اعتراض در دل انقلابی که می رود کل بساط جهنمی جمهوری



کارگران و جنبش بزرگ علیه فقر

کوروش متین

حتی برخلاف ادعاهایش، در عمل به حفظ ارزش دولتی برای دارو نیز پایبند نماند و این وضعیت به گرانی بیسابقه دارو و درمان و کمبود و نایابی بسیاری از داروها در کشور منجر شد.

تمامی این حجم از گرانی و تورم در حالی اتفاق میفتد که در طول سال حتی یک ریال به دستمزد و حقوق شاغلین و بازنشستگان، کارگران و کارمندان و پرستاران و معلمان و دیگر بخشهای مزدبگیر افزوده نشده است.

این وضعیت بغایت اسفناک معیشتی تا هم اکنون اعتراضات و اعتصابات جدی ای در میان کارگران به دنبال داشته است.

از جمله این اعتراضات میتوان به اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران حدود ۱۰ کارخانه وابسته به صنایع خودروسازی، کارگران ذوب آهن اصفهان، کارگران رسمی و غیررسمی صنعت نفت، کارگران هفت تپه، کارگران شاغل در دستگاههای دولتی، معلمان، بازنشستگان تامین اجتماعی و دیگر صندوقهای بازنشستگی مثل صندوق کشوری و لشکری و مخایرات و فولاد و همچنین اعتصابات نظیر اعتصاب کامیونداران اشاره کرد که همگی در اعتراض به وضعیت معیشتی و سطح نازل دستمزدها شکل گرفته اند.

از همین رو امروز بیش از هر وقت مبارزه علیه دستمزد و حقوق ناکافی بزرگترین و مهمترین کنش جنبش علیه

سال ۱۴۰۱ سال تحولات و اتفاقات بسیار بزرگی در جامعه ایران بود. سالی که خواست و اراده‌ی عظیم سرنگونی طلبانه مردم با یک برآمد بزرگ دوباره به میدان آمد و از ۲۵ شهریورماه یک جنبش قدرتمند انقلابی آغاز گردید.

جدای از آغاز یک جنبش انقلابی که علیرغم اُفت و خیزهایش نشان داده که تا سرنگونی حکومت پیش خواهد رفت، بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم و تعمیق فقر و فلاکت گسترده به جامعه خصوصاً طبقه کارگر و توده‌های محروم از ویژگی‌های سال اخیر است.

سال ۱۴۰۱ سال انفجار توری و گرانی‌های سرسام‌آور و تحمیل چندین برابری فقر و فلاکت به مردم بود.

از همان ابتدای سال با حذف ارزش دولتی برای کالاها، راهسازی قیمت برای پایه‌ای ترین محصولات مصرفی توری افسارگسیخته ایجاد شد. علی‌الخصوص در مورد خوراکی‌ها که نیازهای اولیه و غیرقابل چشم‌پوشی است. در طول سال و با سقوط هر روزی ارزش ریال تا سطحی که در پایان سال نسبت به ابتدای سال ارزش آن در مقابل دلار بیش از ۱۲۰ درصد سقوط کرده و منجر به گرانی چند برابری تمامی کالاها و مایحتاج مردم و همچنین خدمات در بخش‌های مختلف شده است. حکومت

حکومت را سرنگون کنند و مجموع این احوالات، جنبش علیه فقر و جنبش اعتراضی طبقه کارگر را به نوعی در راس جنبش عظیم انقلابی قرار داده است.

این جنبش است اجتماعی که در حرکت رو به جلوی خود مستقیماً به اعتراضات مردم در کف خیابان وصل میشود و با اعتصابات سراسری اش به انقلاب قوام می بخشد. از همین رو باید به استقبال چنین شرایطی رفت و سیر شتاب تحولات سیاسی در همین جهت در حرکت است.

این چنین است که اینبار کل طبقه کارگر ایران به میدان خواهد آمد تا از شر حکومت خلاص شود و زندگی‌اش را پس بگیرد. جامعه ایران همانطور که در خیابانها و اعتراضات بازنشستگان فریاد میزنند دیگر زیر بار ستم و فقر زندگی نخواهند کرد و مردم این وضعیت را دگرگون خواهند کرد. جمهوری اسلامی این حکومت فقر و جنایت باید گورش را گم کند برود.

فقر است. این جنبشی است که بطور واقعی در تقابل با کل حکومت صورت قرار دارد و نه یک کارفرمای خاص. چونکه حکومت میزان افزایش حقوق و دستمزد را تعیین میکند و هر سال درجه‌ی بیشتری از فقر و فلاکت را به طبقه کارگر ایران تحمیل مینماید. بعلاوه اینکه دزدی و چپاول بخشی از بساط مافیایی حاکم است.

در متن چنین شرایطی است که جنبش عظیمی علیه فقر و فلاکت که نوک پیکان آن علیه حکومت و به یک معنا برای سرنگونی جمهوری اسلامی است در جامعه جریان دارد که اکثریت آن را طبقه کارگر و بخش‌های مختلف دستمزدبگیر شکل داده‌اند. یک ویژگی مهم این جنبش این است که قابل چشم‌پوشی نیست و موضوع آن مستقیماً مسئله تداوم حیات و تامین معیشت خانواده‌های میلیونی کارگری و کل جامعه است. از همین روز جنبشی است که تداوم دارد و هر روز قوام بیشتری پیدا میکند. نکته مهم اینست که کل جامعه به این فهم عمومی رسیده‌اند که برای هر درجه بهبود اوضاع باید

تجمع بزرگ مردم زاهدان در آخرین جمعه سال ۱۴۰۱، اعدام ۶ نفر در ارومیه و اعتراض مردم

حکومت اعدامی نمیخوایم، نمیخوایم

سیاسی است که امروز اعدام شد و طبق گزارشات نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در هراس از تجمع مردم پیکر او را به خانواده‌اش تحویل نداده است. مردم مقابل زندان ارومیه تجمع کرده اند. جنبش علیه اعدام یک جنبش قدرتمند است و اعتراض علیه اعدام‌ها یک موضوع انقلاب زن، زندگی، آزادی است. ناپود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اسفند ۱۴۰۱، ۱۷ مارس ۲۰۲۳

فرزند اردلان اهل کله‌هر از توابع ارومیه و حسن عمری" و نیسم نیازی در زندان ارومیه است. آنها از روز چهارشنبه جهت اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شده بودند. بدنبال این اعدام‌ها فضایی از خشم و اعتراض در ارومیه بوجود آمده است. بنا بر گزارشات مردم بسیاری در مراسم خاکسپاری عشیر عباس نژاد جمع شدند و با گرامیداشت یاد وی اعتراض خود را به اعدام‌ها به نمایش گذاشته و با خانواده وی اعلام همبستگی کردند. محی‌الدین ابراهیمی یکی از زندانیان

رهبری دمکراسی برابری"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "مرگ بر دیکتاتور"، "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان" خبر دیگر امروز خبر تاسف بار اجرای حکم اعدام دستکم شش زندانی در زندان ارومیه به اسامی عشیر (فروهر) عباس نژاد اهل روستای گوجار از توابع منطقه ترگور ارومیه، سلیم ایوبیان اهل روستای "موانا" از توابع ترگور، جهانبخش رادلویی فرزند سویدین، آعجقل، از توابع منطقه صومباردوست ارومیه، یاسین رشیدی

امروز جمعه ۲۶ اسفند در آخرین جمعه سال جمعیت بسیاری از مردم در زاهدان در ادامه انقلاب و برای فریاد اعتراض خود و علیه سرکوبگری های حکومت به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سردادند. در این روز مردم شعار میدادند: "بسیجی سپاهی داعش ما شما میید"، "میمیریم میمیریم ذلت نمی پذیریم"، "میکشم میکشم آنکه برادرم کشت"، "سلطنت ولایت یکصد سال جنایت"، "نه میبخشیم و نه فراموش میکنیم"، "آزادی می آید با میتوان و باید"، "نه سلطنت نه

مردم کردستان زیر بار هیچ ستمی نخواهند رفت

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



ستم و تبعیضی تبدیل شوند. انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی است برای رفع همه تبعیضها و نابرابری ها و بی شک تلاشهای نیروهای اپوزیسیون راست برای تحریف و مسخ انقلاب در چارچوب سیاستها و اهداف ملی - میهنی راه بجائی نخواهد برد. مردم در کردستان و در همه مناطق ایران عزم جزم کرده اند که از شر تابوها و مقدسات ملی - مذهبی رها شوند. در ایران "زن زندگی آزادی" جانی برای "خدا شاه میهن" نخواهد بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اسفند ۱۴۰۱، ۱۴ مارس ۲۰۲۳

مناطق مرزی ایران و نه هیچکدام از احزاب سیاسی خواهان جدایی نیستند ولی ناسیونالیسم عظمت طلب فارس همواره با انگ تجزیه طلبی به سراغشان رفته است. جدائی تابو نیست، بلکه جزئی از حقوق مردم تحت ستم ملی در هر کشوری است. منشور انقلاب زن زندگی آزادی باید بدون هیچ قید و شرطی خواهان حقوق برابر برای همه مردم تحت ستم و تبعیض ملی باشد و اعلام کند در صورتی که به هر دلیلی مردم تحت ستم ملی در یک فرماندوم آزاد بخواهند از ایران جدا بشوند این حق باید به رسمیت شناخته شود. پذیرش این خواست در عین حال به سهم خود نقش مهمی در تحکیم اتحاد و همبستگی و همسرنوشتی مردم در سراسر کشور خواهد داشت. منشور شش نفره اما پرچم بیحقوقی و نتیجتاً تفرقه در

مناطق مرزی ایران و نه هیچکدام از احزاب سیاسی خواهان جدایی نیستند ولی ناسیونالیسم عظمت طلب فارس همواره با انگ تجزیه طلبی به سراغشان رفته است. جدائی تابو نیست، بلکه جزئی از حقوق مردم تحت ستم ملی در هر کشوری است. منشور انقلاب زن زندگی آزادی باید بدون هیچ قید و شرطی خواهان حقوق برابر برای همه مردم تحت ستم و تبعیض ملی باشد و اعلام کند در صورتی که به هر دلیلی مردم تحت ستم ملی در یک فرماندوم آزاد بخواهند از ایران جدا بشوند این حق باید به رسمیت شناخته شود. پذیرش این خواست در عین حال به سهم خود نقش مهمی در تحکیم اتحاد و همبستگی و همسرنوشتی مردم در سراسر کشور خواهد داشت. منشور شش نفره اما پرچم بیحقوقی و نتیجتاً تفرقه در

منشور شش نفره برگزارکنندگان کنفرانس جرج تاون منشوری است در مقابل انقلاب جاری و خواست های سیاسی ورفاهی مردم و تا جایی که به رفع ستم ملی مربوط میشود، عیناً تداوم سیاست و رویکرد سرکوبگرانه دو نظام شاهنشاهی و اسلامی است. در منشور شش نفره کوچکترین اشاره ای به ستم ملی و رفع این ستم نشده برعکس با طرح یکپارچگی سرزمینی که اسم دیگری برای تمامیت ارضی است چماق سرکوب را بالای سر مردمی که علیه بیحقوقی و برای رفع تبعیض و ستم ملی مبارزه میکنند بلند کرده و قرار است ارتشی که سپاه هم در آن ادغام شده است حافظ تمامیت ارضی و سرکوب هر خواست حق طلبانه مردم باشد. بطور عملی و واقعی نه مردم کردستان و سیستان و بلوچستان و آذربایجان و دیگر



پخش ترانه "برای" در همه جا طنین انداز گردید. در بسیاری از محلات تهران و در شهرهای مختلف جوانان با نیروهای سرکوب درگیر شدند و آنها را عقب راندند. یک قدرتمای بزرگ مردمی در مقابل نیروی سرکوب را در چهارشنبه سوری شاهد بودیم.

امروز همچنین در پاسخ به فراخوان تشکلهایی از دانشجویان و جوانان انقلابی محلات، در سیستان و بلوچستان در حمایت از دختران اکباتان، شماری از دختران با انتشار ویدئوهای رقصشان پشتیبانی خود را از دختران اکباتان اعلام کردند.

زنه باد انقلاب زن، زندگی، آزادی.
نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اسفند ۱۴۰۱، ۱۴ مارس ۲۰۲۳

شهرک شهید بهشتی و جردن مراسم چهارشنبه سوری با آهنگ برای آزادی برگزار شد. در نظام آباد جوانان شعار دادند: "امسال سال خونه سید علی سرنگونه".

در شهرهای دیگر از جمله در سنندج، کرج، رشت، اصفهان و خرم آباد جوانان آتش روشن کردند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. در دیواندره جوانان معترض فرمانداری شهر را به محاصره در آوردند و علیه حکومت شعار دادند. در رشت جمعیت زیادی در خیابانها فریاد آزادی، آزادی، آزادی سر دادند. در اصفهان جوانان با آتش روشن کردن و شعار دهی فریاد زدند: "فقر، فساد، گرونی، مریم تا سرنگونی". در کمالشهر کرج و اهواز نیز مردم آتش روشن کردند و ترانه پخش کردند و فضایی از شادی شکل گرفت. در کرد کرمانشاه جمعیت بزرگی گرد آتش جمع شدند و فضایی از اعتراض و شعاردهی و شادی برپا کردند.

بدینگونه امشب یک شب دیگر از انقلاب زن زندگی آزادی بود و شعار مرگ بر دیکتاتور و فریاد آزادی، آزادی، آزادی و

چهارشنبه سوری یک روز پر طنین انقلاب

جشن چهارشنبه سوری برگزار شد. فریاد مرگ بر دیکتاتور در تمام این شهرها طنین افکن شده بود.

در تهران در محلات مختلف شهر جوانان و مردم معترض با روشن کردن آتش به مناسبت چهارشنبه سوری از جمله در منطقه هفده و هجده تهران، آریا شهر، شهر زیبا، میرداماد، اکباتان، سعادت آباد، پیروزی، افسریه، نظام آباد، پاسداران، فلاح، دروازه غار، نظام آباد، جردن، شهرک شهید بهشتی، بلوار فردوسی، وحیدیه، ستارخان، محله اسفندیاری، تهرانپارس، هفت حوض آتش افروختند و رقص و پایکوبی کردند و شعار دادند. در محلاتی از جمله هفت حوض مردم شعار مرگ بر دیکتاتور و شعارهای دیگری علیه حکومت سر دادند. در فلاح جوانان خیابانها را بسته و شعارهای اعتراضی سر دادند. در اکباتان مردم به خیابان آمده و با فریاد آزادی، آزادی، آزادی شعار "خیابون راه چارس، سید علی پاره پارس" را سردادند. در منطقه ۱۷ تهران جوانان با روشن کردن آتش با نیروهای سرکوب درگیر شدند. در

چهارشنبه سوری امسال یک روز اعتراض و سرنگونی و انقلاب بود. امشب ۲۳ اسفند شب چهارشنبه سوری در فضای پرتلاهب و انقلاب در جامعه برگزار شد. در این روز مردم در جمعیتهای بزرگی در شهرهای مختلف به خیابان آمدند، جشن و شادی کردند، شعارهای ضد حکومتی سر دادند، با نیروهای حکومتی درگیر شدند و یک روز فراموش نشدنی از انقلاب را رقم زدند. در این روز در شهرهای مختلف مردم در پاسخ به فراخوان سه روزه از سوی تشکلهای مختلف دانشجویی و جوانان انقلابی وسیعاً در سطح سراسری خیابانها را فرق کردند.

گزارشات از جشن و آتش افروزی در خیابانها و محلات مختلف تهران و شهرهای دیگر خیر میدهند. از جمله در شهرهای کرج، بوکان، نقده، پیرنهر، مریوان، دهگلان، سقز، مهاباد، اصفهان، بانه، قم، دیواندره، زنجان، بوشهر، کرج، شیراز، شهریار، گرگان، تبریز، یزد، همدان، سنندج، کامیاران، زاهدان، نقده، جوانرود، ارومیه، اهوز، مشهد و قانمشهر



تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی، آزادی مختار اسدی و تجمع معلولان

گرانی، تورم، دشمن جان مردم

تا سرنگونی "عزم خود را برای سرنگونی حکومت هر روزه فریاد میزنند. خبر دیگر آزادی مختار اسدی، از معلمان سندج است که در اعتراضات سراسری معلمان در شانزدهم اسفند در اعتراض به حملات شیمیایی حکومت به مدارس دستگیر شده بود. فراخوان این اعتراضات سراسری آن توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان داده شده بود. تجمعاتی که دامنه اش به ۴۰ شهر رسید و حکومت اسلامی را زیر فشار جدی قرار داد و شماری از معلمان را در این رابطه دستگیر کرد. آزادی مختار اسدی را به او و خانواده و دستانش، به همه معلمان و به مردم شادباش میگوییم. آخرین خبر اینکه در روز گذشته ۲۷ اسفند شماری از معلولان در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران دست به تجمع زدند. اعتراض معلولان به عدم تخصیص بودجه کافی برای حمایت از معلولان و محرومیت از فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط جسمانی آنها و پرداخت نشدن طلب هایشان صورت میگیرد. حزب کمونیست کارگری از خواستها و اعتراضات معلولان با تمام قدرت حمایت و پشتیبانی میکند.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ اسفند ۱۴۰۱، ۱۹ مارس ۲۰۲۳

امروز ۲۸ اسفند در آخرین یکشنبه سال بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواستههایشان دست به تجمعات اعتراضی زدند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، اهواز و شوشتر برگزار شد.

در شوشتر بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته می میرد، ذلت نمیپذیرد"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

در شوش بازنشستگان با راهپیمایی بسمت تامین اجتماعی رفته و آنجا تجمع کردند. آنها شعار میدادند: "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "مشکل ما حل نشه، تجمع تکرار میشه"، "نک ما، ننگ ما، صدا و سیما می"، "قط کف خیایان، بدست میاید حقمون"، و "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه".

در اهواز بازنشستگان راهپیمایی کرده و شعار میدادند: "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

اعتراضات بازنشستگان علیه گرانی و تورم و برای داشتن حق درمان رایگان و زندگی ای انسانی فریاد اعتراض همه مردم در دل انقلاب است. مردمی که در کف خیابان با شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم

به پیشواز سال جدید، سال اراده برای پیروزی

یاشار سهندی

رویا و آرزو، بلکه شدن آنرا هم روشن و شفاف بیان، و برای آن مبارزه شده و در مقاطعی پژواک صدایش، جهان را تکان داده است.

مرگ غریبانه و وحشیانه و بسیار تلخ مهسا امینی، آتش به جان حکومت سفاک انداخت. مرگ با شعار زندگی جواب گرفت. برای همین به جان همه آنهايي که در کل دنیا امید به تغییر داشتند و بدنبال تغییر بودند شوری افکند. بیشتر از آن خود مردم ایران را تکان داد. همه باورها و اعتقادات جان سخت علیه نفس زن زندگی آزادی به یکباره فرو ریختند. انقلاب کار خودش را کرد.

شش ماه پر شکوه، علیرغم از دست دادن جان های با شکوهی که از دست رفت، چشمان زیبایی که کور شد، تن های شریفی که زیر شکنجه لت و کوب شدند و به دار کشیده شدند، گذشت. انسانهای پر شوری در پشت میله ها فریادگر آزادی هستند، و بسیاری زیر باران انواع و اقسام گلوله های مرگبار، باتوم و گاز اشک آور و سمی آزادی و برابری را فریاد زدند. سال ۱۴۰۱ اینگونه به پایان رسید.

در پایان این شش ماه یک محقق تاریخ (یرواند آبراهایمان) مدعی شده "تصور تبدیل اعتراضات در ایران به انقلاب اغراق آمیز بود". ایشان مدعی است این حکومت سقوط نخواهد کرد چون هنوز در نزد ۲۰ درصد از مردم ایران مشروعیت دارد! و شرایط برای اینکه مدعی انقلاب باشیم فراهم نشده است! با همه احترامی که برای این محقق قایلیم، جز شیشکی چاره ای نداریم! ایشان معتقد است مگر "اتفاقات عجیب و احمقانه ای رخ دهد" که شرایط را تغییر دهد. این محقق قادر به دیدن نیروی انقلاب نیست اما حمله امریکا و اسرائیل را محتمل میداند که گویا اگر این رخ نده "رژیم سقوط نخواهد کرد".

این نگاه، نگاه کسانی است که نمی توانند درک کنند انقلابات با اتفاقات عجیب و احمقانه شکل نمی گیرد و پیش نمی رود، بلکه یک پروسه است که در

سال ۱۴۰۰ که به پایان خود می رسید، هجوم ارتش روسیه به فرماندهی پوتین به اوکراین فرصتی فراهم آورد که از چپ و راست آینه مصیبت و بدبختی جلو جامعه بگیرند، تا توده مردم آینده خود را در جنگ اروپا و روسیه، روسیه و ناتو، احتمال دخالت چین، جنگ جهانی سوم... تا بمباران اتمی ببیند. تحلیلگران و مفسران بدبختی، تا توانستند سعی کردند به مانند همیشه این امر را به جامعه حقیته کنند که سر رشته امور در دست "تصمیم سازانی" است، که ظاهرا یک طرف اختیار عقلش از دست میدهد و دنیا را به سوی ویرانی سوق میدهد و یک طرف دیگر عقلایی هستند که آنها هم میتوانند با فشار یک دکمه کل کره خاک را برای چهار تا شش بار نابود سازند اما از راههای دیپلماتیک کمکهای نظامی ارسال میکنند! این آن تصویری بود که از سال ۱۴۰۱ پیش روی چشم همگان گذاشتند.

در مقابل دنیای به غایت سیاهی که سیاستمداران عاقل و دیوانه سرمایه داری برای جهان رقم زده اند، در انتهای تابستان ۱۴۰۱ بعد از یک دوره شش ماهه مبارزات بخشهای مختلف مردم در ایران، بخصوص مبارزات خستگی ناپذیر بازنشستگان، شیور انقلاب زن زندگی آزادی در ایران نواخته شد تا در مقابل سیاهی ای از راه‌هایی که جز بدبختی و مصیبت چیزی بهمراه ندارد به جهان نوید آزادی و زندگی در پرتوهای زن که معیار واقعی رهایی جامعه است؛ راه حل انسانی، یعنی انقلاب علیه مصیبت حاکم را نوید بدهد. انقلاب از زیر آوار مفسران نکبت، که بعد از فروپاشی شوروی در مذمت آن هر آنچه توانسته بودند گفته بودند بیرون کشیده شد و بار دیگر نویدبخش زندگی شد. در زیر سیطره یکی از کثیف ترین و بی رحم ترین حکومت‌هایی که در تاریخ واقعی و افسانه ها میتوان سراغ کرد بیش از چهار دهه یک تلاش عظیم بی وقفه در بطن جامعه ایران در جریان بوده و به یمن این تلاش در برابر حاکمیت سیاه رژیم اسلامی سرمایه، یک آینده انسانی شکل گرفته است؛ نه در حد





تا خاتمه حملات شیمیایی به مدارس با اعتصاب کلاسهای درس را تعطیل کنید!

کردن این فاجعه و برعکس خط و نشان کشیدن برای کسانی که انگشت اتهام را به طرف حکومت گرفته اند بخوبی نشان می‌دهد که راس حکومت اسلامی مشغول این جنایت فجیع است. چندین فقره اعترافات اجباری نخنما و بی‌ارزش هم پخش شده که تماماً ساختگی است. قوه قضائیه اما بصورت خزیده سراغ معلمان رفته و میخواهد عاملین جنایات سازمان یافته را معلمان و دانش آموزان معرفی کند.

روشن است که جامعه زیر بار این حقه‌بازی کثیف امنیتی نمی‌رود. جان و امنیت میلیونها دانش‌آموز و معلم در خطر جدی است و حملات شیمیایی کماکان در گوشه و کنار کشور در جریان است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با فراخوان تجمع فرهنگیان در روز ۱۶ اسفندماه در سراسر کشور در مقابل این توطئه کثیف ایستاد و اعلام کرد خط قرمز معلمان امنیت دانش‌آموزان است و نهادهای حاکمیتی و انتظامی، قضایی و امنیتی مسئول این فجایع هستند. معلمان و اولیاء دانش‌آموزان نیز در حداقل ۳۶ شهر دست به اعتراض زدند. حکومت همچنین با حمله وحشیانه و شلیک گلوله ساچمه‌ای و پرتاب گار اشک‌آور به تجمعات اعتراضی معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان حمله کرد و تعدادی از معلمان را دستگیر کرد.

حکومت اسلامی با حمله شیمیایی به دانش‌آموزان و برخی خوابگاههای

مسمومیت‌ها اقدام مجرمانه عمدی است. به فاصله چند روز، وزارت کشور اطلاعیه داده است که صدنفر از عوامل مسمومیت دانش‌آموزان دستگیر شده‌اند. غلامحسین اژه‌ای، رییس قوه قضائیه نیز در تأیید این دستگیری‌ها روز ۲۲ اسفند اعلام کرد: «قضات ذی‌صلاح به پرونده عناصر دستگیرشده، رسیدگی کنند، نوع کار و انگیزه عاملان این ماجرا باید برای مردم تبیین شود!» امام‌حسینی بندپی نماینده مجلس از نوشهر صریحاً می‌گوید دستگیری عوامل مسمومیت دانش‌آموزان کذب محض است.

دروغ‌گویی و تناقض‌گویی‌ها اما پایانی ندارد. در یک نمونه دیگرستاد حقوق بشر قوه قضائیه مدعی می‌شود که طبق بررسی کمیته تحقیق شامل ۳۰ متخصص برجسته وزارت بهداشت، کمتر از ۱۰ درصد دانش‌آموزان در ۵۲ مدرسه و ۲۵۰ کلاس یک ماده محرک که از نوع گازهای جنگی، خطرناک و کشنده بوده، استنشاق کرده‌اند و برخی افراد در رابطه با مواد محرک دستگیر شده‌اند! این در حالی است که محمدحسن آصفری، نماینده مجلس و از اعضای کمیته حقیقت‌یاب! حکومت، می‌گوید ۲۵ استان شامل تقریباً ۲۳۰ مدرسه درگیر این مسمومیت‌ها شده‌اند! هیچ اشاره‌ای هم به نوع گاز و مسمومیت نمی‌شود.

نفس این تناقض‌گویی‌های آشکار ارگانها و مقامات بالای حکومت، تعلل چهارماهه در بررسی این فاجعه، کمرنگ

نزدیک به چهارماه از حملات سازمانیافته شیمیایی تروریستی جمهوری اسلامی به مدارس می‌گذرد و تناقض‌گویی مسئولین حکومتی برای لاپوشانی این جنایت تنفرانگیز ادامه دارد. یاهوگویی اخیر سخنگوی قوه قضائیه برای لاپوشانی کردن جنایت زنجیره‌ای حکومت بدون تردید بخش دیگری از ادامه سناریوی تروریستی دستگاه‌های امنیتی برای حملات بعدی به مدارس و پنهان کردن نقشه‌های شوم حکومت است. او وقیحانه می‌گوید کسی مسموم نشده. از لفظ مسمومیت استفاده نکنید بگویید بدحالی! تهدید می‌کند قوه قضائیه پیگیری مستقل بررسی این حملات را نخواهد پذیرفت چرا که "روان جامعه را پریشان می‌کند!" و خبر از تشکیل ۳۰ پرونده و درخواست اشد مجازات در رابطه با آنچه خودش «شایعه‌پراکنی سلب‌ریتی‌ها» می‌خواند داده است. ادعای پوچ پلیس در باره گشت ۴ هزار نفره و دستگیری ۱۱۰ نفر و مصادره بمب‌های بد بو، بخش دیگری از همین سناریوسازی‌ها است!

این در حالی است که معاون درمان وزیر بهداشت، می‌گوید ۱۳ هزار دانش‌آموز مسموم تحت معالجه قرار گرفته‌اند. یک‌هزار دانش‌آموز در مدرسه درمان شده‌اند و بیش از صد دانش‌آموز بستری گردیده‌اند.

روز یکم اسفند، محمدجعفر منتظری دادستان کل قوه قضائیه اعلام کرده است

دختران دانشجو انتهای توحش خود را به نمایش گذاشته است.

این توطئه کثیف، این کودک کشی شیمیایی را باید بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم. جهان متمدن نمی‌تواند این جنایات هولناک را ببیند و واکنشی نشان ندهد! دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی باید صریحاً به این اعمال تروریستی اعتراض کند و هر نوع رابطه با این حکومت را قطع کند. همه آمرین و عاملین این فجایع تکان دهنده باید به جامعه معرفی شوند و حکومت اسلامی به جرم جنایت حملات شیمیایی به دانش‌آموزان از کلیه مجامع بین‌المللی اخراج شود. مردم ایران در چنین شرایطی بیش از پیش به حمایت گسترده بین‌المللی نیاز دارند.

تنها راه تامین امنیت جهانی دانش‌آموزان و معلمان، اعتصاب معلمان و برپائی تجمعات اعتراضی معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اسفند ۱۴۰۱، ۱۶ مارس ۲۰۲۳

میتواند بار دیگر، با پیروزی انقلاب شور زندگی و اراده برای آزادی و برابری را به انسانها برگرداند. به این امید به پیشواز سال جدید باید رفت.

همیشه مطیع اراده تصمیم سازان فرزانه و دیوانه نبوده است. تاریخ ثابت کرده، هر وقت توده مردم عزم به تغییر به نیروی خود کرده اند، دنیا تبدیل به جای بسیار بهتری برای زندگی بشری شده است. سال ۱۴۰۲

از صفحه ۸

بورژوازی با وجود داشتن یک شاهزاده و چند تا شاخ شکسته دیگر، هنوز از این حکومت خونریز قطع امید نکرده و میدانند سقوط این حکومت موجی عظیم از خواست تغییر در سراسر جهان بره خواهد انداخت.

سال ۱۴۰۲ در پیش است با وظیفه بس بزرگ ادامه و به سرانجام رساندن انقلاب زن زندگی آزادی. انقلابی که همه چیز آن انسانی است. و میتواند امیدی برای رهایی انسان از مصیبتی که سرمایه داری بر کل دنیا حاکم کرده باشد. دنیا

به پیشواز سال جدید، ...

نهایت به وقتش مردمانی که همیشه هیچ انگاشته میشوند قدم به خیابان میگذارند. انقلابات گواه این است که مناسبات حاکم به چالش عظیمی گرفتار شده که دیگر نمی‌تواند جویگویی جامعه باشد.

سال ۱۴۰۱ به پایان خود رسید اما انقلابی که در میانه این سال شکل گرفت، هنوز در ابتدای راه است. انقلابی که در آن نه فقط یک جامعه معین میخواهد از شر یک حکومت مذهبی سرمایه داری خلاصی یابد بلکه امواج آن لرزه بر پیکره سرمایه داری جهانی انداخته است که

پتیشن برای اخراج نمایندگان جمهوری

اسلامی از سازمان جهانی کار

فری دم نو، پتیشنی را برای جمع آوری امضا آغاز کرده است. این پتیشن به اجلاس عمومی سازمان جهانی کار تسلیم خواهد شد. برای امضا، به لینک پتیشن در پارکد زیر و یا به سایت فری دم نو بروید.



WWW.free-them-now.com

اخباری از مبارزات کارگری برگرفته از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

روز ۲۳ اسفند کارگران فصلی در نیشکر هفت تپه در اعتراض به قراردادهای موقت کاری و وضع بد معیشتی شان دست از کار کشیدند و با فریاد ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه در محوطه شرکت راهپیمایی کردند. این کارگران در بیستم اسفند نیز اعتصاب کردند.

روز ۲۳ اسفند بازنشستگان فولاد خوزستان در اعتراض به فساد مدیریت، وضع بد معیشتی خود، وعدم پرداخت پاداش پایان خدمت، طبق فراخوان قبلی در برابر کارخانه فولاد تجمع و اعتراض کردند.

روز ۲۳ در شیراز در میدان تره بار رانندگان کامیون در اعتراض به افزایش عوارض شهرداری و گرانی ها دست به اعتصاب زدند.

روز ۲۲ اسفند بازنشستگان مخابرات در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و پیگیری مطالباتشان در ادامه دوشنبه های اعتراضی شان در تهران در مقابل ساختمان وزارت ارتباطات و در شهرستانها مقابل ساختمان مخابرات تجمع کردند. این تجمعات در ۱۴ شهر تهران، سنندج، مشهد، زنجان، خرم آباد، یزد، دزفول، اردبیل، اصفهان، یاسوج،

کرمانشاه، کرج، تبریز، ارومیه برپا شد. روز ۲۲ اسفند کارگران سیمان ایلام در اعتراض به فقر و بی تامینی تجمع و اعتراض کردند. این کارگران به سطح نازل حقوقها و قراردادهای برده وار موقت کاری شان اعتراض دارند.

مدارس همچنان هدف حملات شیمیایی جنایتکاران حکومت قرار دارند. روز ۲۲ اسفند، مدرسه راهنمایی "وحدت" در دهستان کانی-سور از توابع شهرستان بانه و دو مدرسه دخترانه پویندگان و شهید اهدایی در ماهشهر، هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند و

تعدادی از دختران دانش آموز مسموم و به مراکز درمانی منتقل شدند. سعید کریمی، معاون درمان وزارت بهداشت از مسمومیت ۱۳ هزار دانش آموز خبر میدهد. عامل و مسبب اصلی این حملات آشکارا خود حکومت اسلامی است و جامعه بخاطر این جنایت تروریستی حکومت، یکپارچه خشم و اعتراض است و با فریاد مرگ بر حکومت کودک کش خشم و نفرت خود را هر روزه فریاد میزند. امروز در مشهد در اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس جمعی از جوانان در ورودی اداره آموزش و پرورش ناحیه ۶ را به آتش کشیدند.

اعدام زندانی سیاسی، محی الدین ابراهیمی را با اعتراض وسیع پاسخ دهیم!

سحرگاه روز جمعه بیست و ششم اسفندماه ۱۴۰۱، زندانی سیاسی، محی الدین ابراهیمی، به همراه ۵ زندانی دیگر در زندان ارومیه اعدام شد. شب قبل از اعدام این شش زندانی، جمعی از خانواده های زندانیان در خطر اعدام با مطالبه توقف اجرای حکم نزدیکان خود، در مقابل درب زندان ارومیه دست به تجمع اعتراضی زدند. پس از انتشار خبر اعدام هم شماری از شهروندان در مقابل زندان جمع شدند.

محی الدین ابراهیمی ۴۳ ساله و اهل روستای "الکاوای" از توابع اشنویه، در آبان ۹۶ (۳ نوامبر ۲۰۱۷) در حالی که مشغول کولبری بود توسط نیروهای رژیم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شدت زخمی و همانجا بازداشت شد. وی در مهر ۱۳۹۷ به اتهام "بغی" از طریق عضویت در حزب دمکرات گوردستان ایران به اعدام محکوم شد. در پی اعتراض این زندانی سیاسی به حکم صادره، حکم

مذکور توسط شعبه ۱۹ دیوان عالی به دلیل "نقض تحقیقات" نقض و مجدداً به شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی ارجاع داده شد. حکم اعدام وی نهایتاً به تایید دیوان عالی جمهوری اسلامی رسید.

قابل ذکر است که برادر این زندانی سیاسی اردیبهشت ۱۳۹۶ و چند ماه قبل از بازداشت محی الدین، در حین کولبری در مرز اشنویه با شلیک مستقیم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به قتل رسیده بود. همچنین محمدباقر ابراهیمی پدر وی نیز پیشتر توسط سپاه پاسداران کشته شده بود.

حکم اعدام این زندانی سیاسی در حالی اجرا شد که ساعات اولیه بامداد ۲۶ اسفند شخص فرماندار و شهردار اشنویه با خانواده وی تماس گرفته و از توقف اجرای حکم وی خبر داده بودند و خانواده اش از ارومیه به اشنویه بازگشته بودند، اما صبح زود با آنها تماس گرفته شده که برای تحویل پیکر فرزندان به

زندان ارومیه مراجعه کنید. قساوت و بیرحمی آدمکشان اسلامی واقعا حد و حصر ندارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن ابراز همدردی با خانواده محی الدین ابراهیمی اعدام این زندانی سیاسی را شدیداً محکوم می کند. جمهوری اسلامی رژیم اعدام است و با هر اعدام می خواهد قدرت پوشالی خودش را به رخ مردم بکشد تا آنها را مرعوب کند. پاسخ ما مردم اما باید محکم و نیرومند باشد. ما همه نیروها و تشکل های مردمی را فرامی خوانیم که نسبت به این اعدامها

واکنش نشان داده و اعتراض کنند. جا دارد که مراسم بزرگداشت محی الدین ابراهیمی را به اعتراضی وسیع در اشنویه و سایر شهرها علیه اعدام و جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی در مقابل اعتراضات متحدانه مردم چاره ای جز تسلیم ندارد. رژیم اعدام را به زیر خواهیم کشید و حاکمین اسلامی را به دلیل جنایات هولناک چهل و چهل ساله محاکمه خواهیم کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۷ مارس ۲۰۲۳

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

ماهواره پاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰

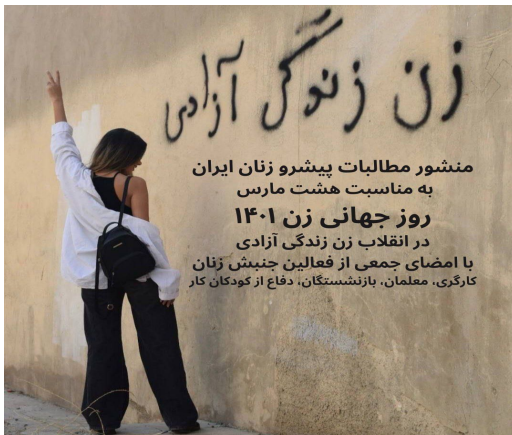
اف ای سی، ۵/۶

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

هیراد پیربدایی آزاد شد

روز شنبه ۲۷ اسفندماه هیراد پیربدایی، فعال کارگری زندانی از زندان اوین آزاد شد. آزادی هیراد را به وی، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. با قدرت انقلاب همه زندانیان سیاسی را آزادی میکنیم.





از منشور مطالبات زنان پیشرو حمایت کنیم!

جامعه ایران منتشر شده است، حمایت کرده و برای تحقق تمامی خواسته های آن مبارزه خواهیم کرد. منشور مطالبات زنان پیشرو در کنار منشور زن زندگی آزادی بیست تشکل چراغ راه ساختن زندگی بهتر برای همه انسانهاست!

ندای زنان ایران
برگرفته از مدیای اجتماعی

"ندای زنان ایران" در طی سالها فعالیت پیگیر خود هر ساله در قطعنامه های هشت مارس (روز جهانی زن) تلاش کرده است مطالبات جنبش زنان را تدوین و منتشر کند تا سهمی در شفاف ساختن پرچم مبارزاتی جنبش زنان داشته باشد. اینک از منشور مطالبات زنان پیشرو که توسط تعدادی از فعالین اجتماعی

منشور مطالبات پیشرو زنان ایران

مربوط به کار خانگی، فرزندان، دارائی ها و دیگر اموری که بصورت مشترک به زوج مربوط می شود؛ به عبارتی لغو کامل همه امتیازاتی که تحت عنوان سرپرست خانواده به مرد داده شده است

-دسترسی زنان به ابزار رایگان پیشگیری از بارداری و دسترسی رایگان به تست های غربالگری دوره بارداری

-حق سقط جنین امن

-برخورداری از حق برابر برای طلاق و حضانت فرزند در صورت جدایی

-جرم انگاری و اعمال مجازات قانونی برای هر نوع اعمال خشونت و آزار جسمی و روانی و کلامی، هر نوع تحقیر و اعمال محدودیت بر زنان در هر زمینه ای و بنا به هر دلیل مذهبی، سنتی، مردسالارانه و ناموسی

-جرم انگاری و اعمال مجازات قانونی برای قتل ناموسی

-جرم انگاری و اعمال مجازات قانونی برای تجاوز و آزار جنسی

-از بین بردن هرگونه نابرابری که تحت عنوان ناموس بر زن اعمال شده و حذف الفاظی چون دوشیزه، بانو و خواهر از ادبیات نوشتاری و محاوره ای که زن را با وجود یا عدم وجود پرده بکارت، با موقعیت تجرد یا تاهل، و یا با تابوهای موجود تعریف میکند

-ممنوعیت حجاب کودکان

-تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان ساکن کشور بدون استثنا

-ممنوعیت کودک همسری و ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال، ممنوعیت هرگونه فروش و معامله کودکان و زنان از جمله

گرایش جنسی به غیرهمجنس، همجنس یا هر دو جنس، در نوع و شکل روابط از جمله عاطفی و جنسی بدون دخالت هر نوع شخص حقیقی و حقوقی

-برابری بی قید و شرط زن و مرد در استفاده از تمامی اماکن عمومی از جمله استادیوم های ورزشی

-تامین امنیت جنسی، جسمی و روانی زنان در تمام طول ساعات شبانه روز و در همه اماکن جامعه

-ممنوعیت تست بکارت

-برخورداری از حق سفر و خروج از کشور

-برابری بی قید و شرط زن و مرد در سطح حقوقی و فعالیتهای اجتماعی در عرصه تحصیلی، ورزشی، سیاسی، اقتصادی و قضائی هم در انتخابات و هم در واگذاری پست و مقام

-برابری در همه قوانین کار و بیمه اجتماعی و نیز مزد برابر برای کار مشابه با ملاحظات قانونی دوران بارداری و زایمان

مرخصی پرینود و دسترسی به کالای بهداشتی رایگان برای این دوره

-بیمه بیکاری، بیماری و بازنشستگی مکفی

-حق زندگی مشترک از جمله ازدواج سفید، بدون دخالت مذهب، دولت و هر شخص حقیقی و حقوقی

-صدور شناسنامه برای همه کودکان بدون استثناء

-لغو قانون چند همسری و نیز صیغه نه فقط برای مردان متاهل، بلکه لغو کلی قانون صیغه

-برابری کامل در قوانین خانواده اعم از برابری در سرپرستی و مدیریت همه امور

شکلی از آن، و نیز ستم و بردگی جنسی زن به هر شکلی و به دست هر نیرویی پایان دهد و رهایی زن از هر ارتجاعی را به ارمغان بیاورد.

ما امضا کنندگان منشور مطالبات پیشرو زنان ایران، ضمن تداوم مبارزه بر پیروزی کامل انقلابمان که امری ضروری و حیاتی است، و ضمن اعلام پیوند و همبستگی با دیگر جنبشهای اعتراضی که در بستر این انقلاب عظیم تاریخی نقش تعیین کننده داشته اند، خواسته هایی پیشرو، مدرن و سکولار بر اساس آخرین دستاوردهای مبارزات جنبشهای پیشرو و مترقی انسانی و جهانشمول را شایسته و حق زنان و مردم ایران با هر زبان و اتیک و پیشینه ای می دانیم و برای برپایی حکومتی که این خواسته ها را تضمین کند تلاش و پافشاری میکنیم. بخش عمده مطالبات ما بدین شرح است:

-آزادی پوشش و لغو حجاب اجباری

-لغو کامل تفکیک جنسیتی در همه سطوح جامعه از وسائل نقلیه تا مراکز آموزشی و اماکن عمومی

-جدایی دین از دولت، حکومت، دستگاه قضایی و آموزش و پرورش، حذف دروس مذهبی و ممنوعیت برگزاری هرگونه مناسبت دینی در مدارس از جمله جشن تکلیف

-آزادی اندیشه و عقیده و بیان، آزادی مذهب، بی مذهبی و بی خدایی و لغو مذهب رسمی

-لغو هرگونه قیومیت بر زن، به رسمیت شناختن زن به عنوان یک انسان با هویت مستقل و آزاد بر تصمیم گیری در زندگی فردی و اجتماعی، در سبک زندگی، در

انقلاب زن زندگی آزادی که پس از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی رخ داده، انقلابی است برای زیر و رو کردن نظام و ساختار موجود که ریشه در سرکوب، تبعیض، ارتجاع و زن ستیزی دارد. پیش بینی کرده بودیم که در افق پیش روی مردم به تنگ آمده از فقر و فلاکت و بی حقوقی و سرکوب، وقوع یک انقلاب عظیم اجتماعی سیاسی است که زنان یکی از محورهای اصلی آن هستند و تا روز وقوع، نیروهای محرکه و فعاله و در صف مقدم اعتراضات خواهند بود و با درهم کوبیدن حجاب و عفاف و قوانین اسلامی، پایه های حکومت حاکم را روز به روز ضعیف و سست خواهند کرد. در شهریور ۱۴۰۱ انقلاب زن زندگی آزادی به وقوع پیوست تا به کل بساطت زن ستیزی قانونی، دولتی و قضایی در یک کلام زن ستیزی سیستماتیک و حکومتی پایان دهد و به تبع آن کل جامعه ایران نیز از ظلم و ستم و بی عدالتی و تبعیض رهایی یابد. حالا جهان از انقلاب ما که عمیقاً یک رنسانس عظیم و تاریخی علیه مذهب و زن ستیزی است به عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ بشریت یاد میکند که با از بین بردن حکومت آپارتاید جنسیتی، قطعاً تأثیرات مهمی نه فقط روی زنان بلکه روی کل جامعه ایران، و نه فقط در ایران بلکه در خاورمیانه و حتی جهان خواهد گذاشت.

انقلابی که دیگر به هیچ نیرویی اجازه نخواهد داد که هویت انسانی زن، کرامت و منزلت زن، افکار و اندیشه و بدن زن را مایملک "مرد"، "خانواده"، "دولت" و "میهن" محسوب کند. ما میخواهیم پیروزی این انقلاب به نابرابری در هر

گاهشمار و رویدادنگاری اعتراضات و اعتصابات در صنعت نفت سال ۱۴۰۱

- ۱- چهاردهم فروردین، تجمع کارگران روزمزد پتروشیمی چوار ایلام، مقابل این پتروشیمی.
- ۲- پانزدهم فروردین، تجمع کارگران روزمزد پتروشیمی چوار ایلام مقابل استانداری.
- ۳- بیست و دوم فروردین، پرسنل واحدهای عملیاتی و بهره برداری مناطق نفتخیز جنوب در اعتراض به تبدیل شیفت های کاری مقابل ساختمان ۴ طبقه مدیریت در اهواز تجمع کردند.
- ۴- بیست و دوم فروردین، تجمع بازنشستگان صنعت نفت سراسر کشور در مقابل دفاتر صندوق های بازنشستگی نفت.
- ۵- بیست و شش فروردین، کارگران پروژه ساخت مخازن شرکت پالایش میعانات گازی آدیش کنگان به عدم افزایش دستمزدها اعتراض و با تعطیل کردن کارگاه با پیمانکار تسویه حساب نمودند.
- ۶- سی و یک فروردین، تجمع اعتراضی کارکنان نوبتکار شرکت های بهره برداری نفت و گاز کارون، گچساران، مارون و مسجدسلیمان به تغییر ساعات شیفت های کاری.
- ۷- چهارم اردیبهشت، اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت فرجود در سایت یک پارس جنوبی.
- ۸- چهارم اردیبهشت، اعتصاب داربست بندان در فاز ۲ پتروکیان.
- ۹- پنج اردیبهشت، اعتصاب داربست بندان پتروشیمی بوشهر.
- ۱۰- پنج اردیبهشت، اعتصاب کارگران پیمانکاری راکی در پتروکیان.
- ۱۱- ششم اردیبهشت، تجمع اعتراضی کارگران پروژه ای نیروگاه سیکل ترکیبی عسلویه.
- ۱۲- ششم اردیبهشت، اعتصاب داربست بندان پیمانکاری ناورود در پتروپالایش کنگان.
- ۱۳- ششم اردیبهشت، اعتصاب کارگران پروژه ای ساخت مخازن سبز فاز سیزده عسلویه.
- ۱۴- هفت اردیبهشت، اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت آی جی سی در پروژه گازی ان جی ال ۳۱۰۰ دهلران.
- ۱۵- هفت اردیبهشت، اعتصاب نیروهای ساخت مخازن و پایپ راک پتروشیمی اسلام آباد غرب.
- ۱۶- هفت اردیبهشت، اعتصاب نیروهای پیمانکاری شیروانی پتروشیمی دماوند.
- ۱۷- سیزدهم اردیبهشت، اعتصاب کنگان.
- ۲۸- بیست و هشتم خرداد، اعتصاب نیروهای داربست بند شرکت فنی مهندسی پتروپارس در کنگان.
- ۲۹- بیست و هشتم خرداد، اعتصاب کنگان.
- ۳۰- اول تیرماه، اعتصاب گروههایی از داربست بندان پیمانکاری های حاجی پور، شهبازی و مطوری و شرکت های پایندان، آپادانا، فراسکو، ساختار صنعت رستاک پویا، اکسیر صنعت و ایده سازان در فاز ۱۴.
- ۳۱- دوم تیرماه، اعتصاب داربست بندان پیمانکاری های تناوب، رشیدی، همتی و موسوی در پتروشیمی هنگام.
- ۳۲- چهارم تیرماه، اعتصاب نیروهای پیمانکاری سلحشور در پروژه آر جی سی فاز ۱۴.
- ۳۳- چهارم تیرماه، اعتصاب داربست بندان و نیروهای پروژه ای تست من شرکت آبادراهان در فاز ۲ پالایشگاه آبادان.
- ۳۳- پنجم تیرماه، اعتصاب کارگران عایق بندی مخازن سرد پتروشیمی آبادان.
- ۳۴- ششم تیرماه، تجمع کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب دو ناحیه نفتی آبان و پایدار.
- ۳۵- ششم تیرماه، اعتصاب کارگران اورهال پالایشگاه تندگویان تهران.
- ۳۶- بیست و یکم تیرماه، تجمع کارگران پتروشیمی تبریز.
- ۳۷- سوم مرداد، تجمع کارکنان دستورکاری تاسیسات بهره برداری نفت و گاز کارون و همینطور نگهبانان چاههای نفت منطقه غیزانیه در اهواز.
- ۳۸- هجدهم مرداد، اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت آرام پارس در پتروپالایش کنگان.
- ۱۹- ششم خرداد، اعتصاب کارگران پروژه ای جوشکار ساخت مخازن، نیروهای برق و ابزار دقیق پتروشیمی گچساران.
- ۱۹- هجدهم اردیبهشت، اعتصاب کارگران شرکتی پتروشیمی تبریز.
- ۲۰- بیست اردیبهشت، اعتصاب نیروهای پیمانکاری مخزن سازی پتروپالایش کنگان.
- ۲۱- بیست و چهارم اردیبهشت، تجمع اعتراضی پرسنل قرارداد موقت در اهواز، گچساران و خارگ.
- ۲۲- بیست و شش اردیبهشت، تجمع اعتراضی پرسنل قرارداد موقت مناطق نفتخیز جنوب در شرکت های بهره برداری نفت و گاز کارون و مارون.
- ۲۳- بیست و هشت اردیبهشت، تجمع اعتراضی پرسنل قرارداد موقت مناطق نفتخیز جنوب شرکت های بهره برداری آغاچاری، کارون و مارون.
- ۲۴- سی و یکم اردیبهشت، تجمع اعتراضی پرسنل قرارداد موقت نفت سراسر کشور مقابل وزارت نفت در تهران.
- ۲۵- چهارم خرداد، تجمع پرسنل قرارداد موقت و قرارداد معین سراسر کشور مقابل وزارت نفت در تهران.
- ۲۶- پنج خرداد، اعتصاب و تخلیه کارگاه توسط داربست بندان شرکت ناورود در پتروپالایش کنگان.
- ۲۷- بیست و ششم خرداد، اعتصاب نیروهای پیمانکاری پارسا در فاز ۱۹
- ۳۹- هجدهم مرداد، اعتصاب ای نیروگاه برق فردوسی مشهد.
- ۴۰- بیستم مرداد ماه، اعتراض گروه کثیری از پرسنل رسمی واحدهای ستادی و عملیاتی در بیش از سی مرکز نفتی.
- ۴۱- بیست و دوم مرداد، تجمع کارگران شرکت پخش و پالایش فرآورده های نفتی آبادان.
- ۴۲- بیست و ششم مرداد، اعتصاب کارگران شرکت کیان نصر پتروشیمی بوشهر.
- ۴۳- دوم شهریور ماه، اعتصاب کارگران شرکت ستاره ترازو سایت یک پتروشیمی بوشهر.
- ۴۴- دوازدهم شهریور، تجمع پرسنل رسمی مقابل وزارت نفت در تهران که به بازداشت قریب به ۷۰ نفر از کارگران منجر شد.
- ۴۵- بیست شهریور ماه، اعتصاب کارگران پتروشیمی دنا در عسلویه.
- ۴۶- بیست شهریور ماه، اعتصاب کارگران ساخت مخازن و پایپ راک پتروشیمی اسلام آباد غرب.
- ۴۷- یازدهم مهر ماه، اعتصاب نیروهای پروژه ای پتروشیمی دنا در عسلویه.
- ۴۸- هجدهم مهر، اعتصاب سه روزه کارگران پروژه ای در بوشهر و کنگان در حمایت از اعتراضات گسترده مردم به قتل مهسا امینی که منجر به بازداشت قریب به ۳۰۰ نفر از کارگران شد.
- ۴۹- هجدهم مهر، اعتصاب کارگران پروژه ای فاز ۲ پالایشگاه آبادان.
- ۵۰- نوزدهم مهرماه، تجمع کارگران شرکت پالایش نفت آبادان.
- ۵۱- بیست و ششم مهر، اعتصاب رانندگان تانکرهای حمل سوخت پالایشگاه آبادان.
- ۵۲- یازدهم آبان، اعتصاب کارگران بخش تعمیرات مجتمع تولید اوره پتروشیمی پردیس عسلویه.
- ۵۳- پانزدهم آبان، اعتصاب نمادین پرسنل رسمی واحدهای عملیاتی در ۳۷ سکوی نفتی با خودداری از ارسال گزارشات روزانه تولید و عدم دریافت سهمیه غذای روزانه.



بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در خصوص تعیین حداقل

همکاران ارکان ثالث ما بر سر همین موضوع است.

بعلاوه ویژگی شرایط امسال اینست که ما در بحبوحه انقلاب جاری زن، زندگی، آزادی و گسترش اعتراضات همه مزدبگیران اعم از کارگر، معلم، بازنشسته در سراسر کشور هستیم که یک موضوع مهم این اعتراضات اعتراض علیه فقر و گرانی و بی‌تامینی و در دفاع از حق زندگی ای انسانی است. در چنین شرایطی مبارزه برای افزایش دستمزد ارتباط مستقیمی با اعتراضات مردمی در سطح جامعه و در برابر کل این بساط توحش و فقر و بردگی است. این شرایط بیش از هر وقت دیگری بر اتحاد سراسری ما کارگران و ما مردم برای اعتراضاتی سراسری علیه دستمزدهای زیر خط فقر، علیه وخیم تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی مان و بی‌تامینی‌ها، علیه گرانی روز افزون هزینه‌های زندگی و دزدی‌ها و چپاولگری و علیه تعرضات هر روزه حکومتیان بر زندگی و معیشتمان تاکید می‌گذارد.

با اعتراضاتمان باید کاری کنیم که کل لایحه ریاضتی بودجه‌شان را که لایحه ای برای سر کیسه کردن بیشتر مردم است جمع کنند و با توجه به اینکه همین امروز حداقل سبد هزینه ۳۰ میلیون است دستمزد هیچ کارگری نباید از این رقم

این روند که منجر به افزایش سرسام آور قیمت کالاهای مورد نیاز و اساسی زندگی شد به معنای واقعی زندگی ما میلیون‌ها نفر کارگر را به خاک سیاه نشاند و معیشت مان را نابود ساخت.

در این شرایط، لایحه بودجه ۱۴۰۲ دولت که با افزایش چند ده برابری سهم نهادهای خاص همراه است، جای هیچگونه عذر و توجیهی باقی نمی‌گذارد که امسال هم بخواهند به بهانه عدم توانایی کارفرمایان و سازمانها در پرداخت دستمزدها و حقوق ها و یا با این بهانه که افزایش دستمزد باعث افزایش تورم خواهد شد، درصدی ناچیز و تحقیرآمیز به عنوان افزایش دستمزد برای ما کارگران در نظر بگیرند.

بگذریم که تعرض به دستمزد ما کارگران در قالب برنامه بودجه سال ۱۴۰۲ انجام گرفته است و طبق این برنامه کارکنان دولت از شمولیت همان حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقری که شورای عالی کار تعیین میکنند خارج مانده و برای آنها صرفاً بیست درصد افزایش دستمزد در نظر گرفته شده است و این رقم با توجه به افزایش نجومی قیمت‌های وضع زندگی این بخش از ما کارگران را از آنچه که امروز هست نیز وخیم تر میکند از همین رو هم اکنون یک موضوع اعتراض کارگران بخش دولتی و در همین رابطه

سال ۱۴۰۱ برای ما کارگران همچون سالهای پیشین با دست و پنجه نرم کردن با فقر و نداری در حالی سپری می‌شود که شورای عالی کار ضد کارگر، در غیاب تشکلهای مستقل کارگری و نمایندگان واقعی طبقه کارگر مشغول توطئه علیه معیشت ما و تحمیل فقر و گرسنگی جمعی بیشتر بر ما کارگران است.

دستمزد یکی از عمده ترین و بنیادی ترین مسائل ما کارگران است که شرایط و چگونگی یک سال زندگی ما را تعیین می‌کند. اما در روند تصمیم گیری برای آن، خود ما و نمایندگان ما حضور نداریم و این دولت و کارفرمایان هستند که علاوه بر تحمیل انواع ستم و بی‌حقوقی از طریق تحمیل شرکت‌های پیمانکاری، قراردادهای موقت و سفید امضا، اخراج و بیکارسازی‌های گسترده، تویق‌های چندین و چند ماهه در پرداخت مزدمان، افزایش مالیات‌ها، وضعیت نامناسب بیمه‌ها و ناایمن بودن محیط کار، مقدار دستمزد ناچیز و بخور و نمیر ما را تعیین و انگل وار از سفره و از حاصل دسترنج ما تغذیه می‌کنند.

سال ۱۴۰۱ با حذف ارز ترجیحی و دلار ۴۲۰۰ تومانی آغاز شد و با سقوط پرشتاب ارزش ریال با دلار ۵۰ هزار تومانی در حال به پایان رسیدن است.

کمتر باشد.

ما کارگران شاغل در همه بخشهای صنعت نفت، از کارگران پیمانی تا قراردادی و رسمی حول خواست افزایش حقوق متناسب با نرخ واقعی هزینه‌های معیشتی و بیمه‌های پایه ای اجتماعی همچون درمان رایگان، تحصیل رایگان و حق داشتن مسکن می‌توانیم و باید متحد شویم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعلام میکند که در صورت عدم تحقق این خواستها و مطالبات، به هر شکل ممکن قویا معترض خواهیم شد.

ما مطالبات خود را پیگیری می‌کنیم و به هر گونه تعرضی به زندگی و معیشت از دست رفته خود با اعتراض و اعتصاب پاسخ خواهیم داد. ما از تمامی همکاران شاغل در نفت و همه کارگران در سطح سراسری می‌خواهیم که بیایند تا با قدرت هر چه تمام تر فریاد رسای زن، زندگی، آزادی و اعتراض کل جامعه علیه فقر و بردگی باشیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت (برگرفته از مدیای اجتماعی)

گاهشمار و رویدادنگاری اعتراضات و ...

از صفحه ۱۳

سرکوب شد.

۵۹- چهار دی، اعتصاب گروهی از کارگران پتروشیمی آبادان و نیمه تعطیل شدن این پتروشیمی به دلیل اعتصاب.

۶۰- دهم دی ماه، اعتصاب و تجمع گروهی از کارگران رسمی پالایشگاه آبادان.

۶۱- دهم دی ماه، تجمع گروهی از کارگران میدان نفتی آذر در استان ایلام.

۶۲- دهم دی ماه، تجمع گروهی از کارگران پالایشگاه اراک.

۶۳- چهاردهم دی، تجمع نیروهای شاغل در پتروشیمی چوار ایلام.

۶۴- بیست دی، تجمع نیروهای رسمی پتروشیمی مبین عسلویه.

۵۴- اول آذرماه، تجمع گروهی از کارگران شاغل در پالایشگاه یازدهم فاز ۱۳.

۵۵- اول آذرماه، اعتصاب گروهی از کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان.

۵۶- سیزدهم آذر، اعتصاب ۲ روزه نیروهای پیمانکاری شرکت پایانه و مخازن پتروشیمی ماهشهر.

۵۷- بیست و شش آذر، اعتراض پرسنل رسمی شرکت نفت و گاز پارس، گچساران، ماهشهر، اهواز، خارک و نفت و گاز غرب.

۵۸- سوم دی ماه، تجمع نیروهای ارکان ثالث در میدان کاکتوس عسلویه که با بازداشت حدود ۳۰ نفر از کارگران

۶۵- بیست و چهارم دی ماه، تجمع کارگران شرکت او دی سی سی پتروشیمی گچساران.

۶۶- بیست و پنج دی، اعتصاب کارگران پیمانی عملیات غیر صنعتی ماهشهر/

۶۷- بیست و هفتم دی ماه، اعتراضات کارکنان رسمی عملیاتی مناطق سیری، بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، نفت و گاز غرب، کارون، شرکت نفت شیراز، مارون، پالایشگاه ایلام، شرکت فلات قاره، پالایشگاه پنجم، پالایشگاه فجر جم، پالایشگاه آبادان، پتروشیمی ماهشهر و چندین مرکز نفتی و پتروپالایش دیگر.

۶۸- سوم بهمن ماه، تجمع گروهی از کارگران شاغل در پتروشیمی بندر امام.

۶۹- بیست و چهارم بهمن، تجمع کارکنان قرارداد موقت شرکت ملی نفت ایران

مقابل ساختمان این شرکت در تهران. ۷۰- شش اسفند، اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت نصب نیرو شاغل در نیروگاه سبلان اردبیل.

۷۱- هفتم اسفند ماه، تجمع کارکنان شرکت پخش فرآورده‌های نفتی اصفهان. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تعیین حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۲

با تمام این اوصاف ما با یک معادله‌ی ساده روبرو هستیم. یک طرف این معادله، جامعه‌ای است که یک زندگی انسانی همراه با آزادی و برابری و رفاه می‌طلبد و طرف دیگر آن حاکمیتی است که با پرچم مرگ و نیستی درمقابل خواست کارگران و زحمتکش‌ان زنان و جوانان ایستاده است.

در چنین شرایطی بر تمامی کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و تمامی مزدبگیران جامعه روشن است که هرگونه مطالبه‌گری و خواست بهبود اوضاع، توسط حکومت به بن بست رسیده است و راه همان راهی است که از شهریور سال ۱۴۰۱ آغاز شد، که باید آنرا ادامه داد و به پیروزی رساند.

تحقق این پیروزی نیز در گرو اتحاد تمامی کارگران و دیگر مزدبگیران است تا با دست بردن به اعتصابات و اعتراضات گسترده در تمامی کارخانجات و مراکز صنعتی و تولیدی بزرگ و کلیدی، مبارزات انقلابی جاری را تداوم بخشیده و به پیش ببرند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۱ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

دهشتناک تحمیل شده به جامعه، افزایش ۲۷ درصدی برای کارگران و ۲۰ درصدی برای کارمندان در سال ۱۴۰۲، نه تنها یک دهن‌کجی به خواسته‌های جامعه بلکه اعلان یک جنگ و دشمنی آشکار به میلیونها نفر از مزدبگیران ایران و خانواده‌های آنان است.

حکومت شمشیر را از رو بسته است. فقر و فلاکت مفرط را به جامعه تحمیل کرده است، آزادی‌های انسانی را از زنان و مردان سلب کرده است، تبعیض و استثمار بدتر از مناسبات برده‌داران پیشاتمدنی برای جامعه سازمان داده است و در مقابل هرگونه فریاد آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی، خشونت‌بارترین روش‌های سرکوب را به کار می‌بندد، زنان و کودکان را در خیابان‌ها با گلوله می‌کشد، چشم جوانان را کور می‌کند، بساط زندان و تجاوز را بسط می‌دهد، حملات شیمیایی به مدارس انجام می‌دهد و نیروهای سرکوبگر پلیس و گارد ویژه را به داخل کارخانجات و مراکز صنعتی و تولیدی گسیل می‌دهد تا مانع از هرگونه اعتراض و حق‌خواهی گردد.

زندگی بلکه حکم تشدید فقر و فلاکت و مرگ است.

حکومت هر ساله سطح معیشت کارگران و کارکنان چه در کارخانه و چه در ادارات، چه در بخش دولتی چه خصوصی، چه شاغل و چه بازنشسته را چندین برابر نسبت به میزان درآمد آنها تنزل داده و عقب‌ماندگی مزدی فاجعه‌آمیزی به اکثریت قاطع جامعه تحمیل کرده است.

اما حتی اگر تمامی مشکلات معیشتی تحمیل شده به کارگران در سالهای گذشته را نیز نادیده بگیریم، در سال ۱۴۰۱ با تورم رسمی اعلام شده‌ی نزدیک به ۵۰ درصدی و رقم تورم بالای ۷۰ درصدی خوراکی‌ها و همچنین سقوط بیش از یکصد درصدی ارزش پول ملی و همزمان با آن حذف ارز ترجیحی که منجر به یک انفجار بزرگ تورمی در نرخ واقعی اقلام و مایحتاج ضروری خانواده‌ها شد، شاهد تشدید بحران معیشتی بی‌سابقه‌ای هستیم که خانواده‌ها را به مرز فروپاشی اقتصادی رسانده است.

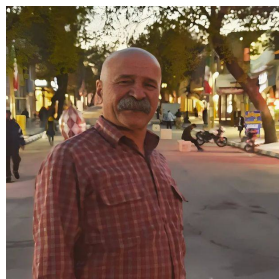
با توجه به این میزان از گرانی و تورم

وزیر کار در ساعات اولیه بامداد آخرین روز سال، مبلغ حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۲ را با ۲۷ درصد افزایش به میزان پنج میلیون و سیصد و هشت هزار تومان، و افزایش برای سایر سطوح مزدی را به میزان ۲۱ درصد به اضافه‌ی مبلغ هشت هزار و سیصد تومان روزانه اعلام کرد.

این شعبده‌بازی محیرالعقول از سوی شورای عالی کار به نیابت از حکومتی انجام شد که تمام قد درمقابل نه تنها طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران ایران بلکه کل جامعه ایستاده است.

این حکومت آشکارا نشان داده است که نه تنها معیشت و کرامت را از کارگران و همه زحمتکش‌ان سلب می‌کند بلکه با قتل و کشتار و سرکوب، جان و چشم و حیات انسان‌ها را نیز می‌گیرد تا به حیات و بقای خود ادامه دهد.

بدون حتی یک لحظه اندیشیدن هم میتوان فهمید که این میزان از دستمزد برای کارگران درمقابل رقم واقعی هزینه‌های معیشت خانوار که به بالای ۳۰ میلیون تومان در ماه رسیده است، نه حکم تداوم



پیام نوروزی عثمان اسماعیلی کارگر زندانی

خانواده‌ی عزیز من، مروارید گراندرد، سال ۱۴۰۱ را با تمام خوشی‌ها و ناخوشی‌ها پشت سر گذاشتیم. من از شما قدردانی میکنم بابت حمایت و پشتیبانی که در حق من چه در دوره‌ی تبعید و چه روزهایی که در زندان بودم کردید.

از صمیم قلب بابت دل‌نگرانی‌ها و اشتباهاتم از تو همسر عزیزم معذرت میخواهم. سال ۱۴۰۲ را به تمام دوست و رفقا (فعالین کارگری، جنبش کارگری، زندانیان سیاسی، خانواده‌ی جانباختگان راه آزادی و زندانیان سیاسی، معلمان دربند و...) تبریک میگویم. با وجود سال تلخی که در ایران گذراندیم، امیدوارم که سال ۱۴۰۲ را با اتحاد و رسیدن به تک‌تک خواسته‌هایمان و با تئیسالم طی کنیم هرچند که در این سال چه عزیزی را از دست دادیم و دیگر در جمع خانواده‌یشتان

حضور ندارند اما خانواده‌ی جانباختگان باید بدانند که جگرگوشه‌هایشان مایه افتخار یک ایران‌اند و نام آنها در صفحات تاریخی خونین رقم خواهد خورد. سزدی و سرمای ۱۴۰۱ را گذراندیم، نوبت زندگی دوباره‌یمان است یخ‌ها را آب میکنیم و از نو شکوفه میزنیم و مطمئننا که هر شکوفه به ثمر خواهد رسید.

امیدوارم در سال نو همه زندانیان سیاسی آزاد شوند. من تشکر میکنم از تک‌تک کسانی که در این مدت که من در زندان بودم جویای حال من و در کنار خانواده‌ام بودند. دوستدار شما عثمان اسماعیلی، زندان مرکزی سقز ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

توییت محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

فعالین صنفی است. دهها فعال صنفی و معلم همچنان در زندان هستند. صد در صد معلمان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. و...

گذر از این شرایط سخت در گرو هبستگی، کار جمعی و حضور منسجم میدانی است. سال جدید باید همچون سال ۱۴۰۰ عرصه حضور خیابانی معلمان باشد.

در حالی که فقط چند ساعتی به پایان سال جدید باقی مانده است، رتبه بندی با همه تبلیغات رسانه ای /نمایشی اجرا نشد. حقوق اسفندماه به صورت علی الحساب در حال واریز است. یعنی کمتر از حقوق اصلی ماهانه. معوقات و مطالبات سالهای گذشته همچنان پرداخت نشده است. حراست آ پ همچنان در حال پرونده سازی برای





دانش‌آموزان در کنار یکدیگر نویدبخش روزهایی پر از آگاهی خواهد بود. روزهایی که سرود آزادی را هر روز در مدرسه رهایی زمزمه کنیم. به امید روزی که معلم و دانش‌آموز پرچم صلح و دوستی را بر فراز دستان خود به اهتزاز در آورند و با آرامش خیال یاد بدهند و یاد بگیرند.

۴- به حاکمیت هشدار داده در صورت برآورده نشدن مطالبات حداقلی خود، خیابان همچنان میعادگاه معلمان خواهد بود و خود را برای اردیبهشت ۱۴۰۲ مهیا خواهیم ساخت. (شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران-۲۹ اسفند ۱۴۰۱) از مدیای اجتماعی

مخدوش هیات‌های تخلفات اداری و سختگیری‌هایی هدفمند و مهندسی شده برای حذف و محروم کردن برخی از فعالین صنفی از مزایای رتبه‌بندی همچنان بر اجرای صحیح قانون و مشمول بودن تمام همکاران و بازرگاری بر این تصمیم تنگ نظرانه تاکید دارد.

۳- زندان، اخراج، انفصال، تبعید و گشودن پرونده‌های قضایی برای فعالین صنفی معلمان، لحظه‌ای شک و تردید را در اذهان آگاه معلمان ایجاد نخواهد کرد و مطالبه‌گری معلمان که بدون شک آغاز همه‌گیری اعتراضات عمومی و عادی‌سازی خیابان بوده، همچنان ادامه خواهد داشت. حضور معلمان و

بیانیه نروزی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲ خورشیدی

نفع مردم ایران بودند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، به نمایندگی از کانون‌ها و انجمن‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن ابراز همدلی با خانواده‌های داغدار و آسیب‌دیدگان خیزش تحول‌خواهی یادآوری می‌کند، چون سال‌های گذشته علاوه بر همراهی با خواست اجتماعی و همگانی مردم جهت ایجاد تغییرات اساسی در رویکرد حاکمیت موارد زیر را نیز در دستور کار خود قرار می‌دهد.

۱- با توجه به اجرای ناقص و سلیقه‌ای قانون رتبه‌بندی، عدم اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان، تورم شدید و خط فقر اعلام شده، همچنان حق اعتراض را برای خود قائل هستیم و کوتاه نخواهیم آمد.

۲- با توجه به برخوردهای غیرقانونی و

سالمان نو شد و غم‌هایمان کهنه؛ تکرار اینکه مردگان امسال عاشق‌ترین مردگان بودند، ذهنمان را تسکین خواهد داد تا شاید سالی نو و بهاری نو را در ادامه راهی که آغاز کرده‌ایم تجربه کنیم.

یاد باد آن جاویدنامانی که به احترام زن به پابرجایی زندگی و شکوه آزادی ایستاده. جان دادند و داغ نبودنشان در شروع سال جدید همچنان بر آنان که پرچم آزادی‌خواهی برافراشته‌اند سرد نشده است. امسال را در حالی به پایان رساندیم که این باور در وجود تک‌تک‌مان تقویت شد که دیگر استبداد توان ایستادگی در برابر قدرت بی‌قدرتان را ندارد و راه باریک آزادی قابل‌گذرتر از همیشه است. در این سال پرشکوه و شکوه، معلمان ایران نیز مانند همیشه از خیابان‌ها کنار نکشیدند و با پیوند مطالبات صنفی خود با مطالبات اجتماعی، دوشادوش تمام راد مردان و زنان ایران خواهان رقم خوردن تغییرات به

کارگر هفت تپه: عید خونین، عید فقر، عید انقلاب!

کاتال مستقل کارگران هفت تپه دلنوشته ای از یک کارگر هفت تپه را به مناسبت فرا رسیدن سال نو منتشر کرده است که در زیر متن کامل آن آمده است:

بهار است، طبیعت لباس نو می پوشد، گل و لاله و سبزه میگویند که زمستان و تاریکی رفتی است. امسال دختران و پسران نازنین ما در سرزمین آفتاب چه خوش درخشیدند، انگار کنسرتی باشکوه بود که جهانی را به وجد آورد. وقتی تغییر ضروری میشود، عطر انقلاب مثل باد بهاری هرجا می‌رود. ببینید چطور یک جامعه غم زده و فقر زده و زن کش و بچه کش و کارگر ستیز یکباره تازه شد! گویی در لحظات مرگ، خون زندگی و امید به تن نجورش تزییق شد تا دوباره بشکفتد، تا دوباره برخیزد، تا بگوید نه هرگز تسلیم نمی شویم، تا اعلام کند درست است هر روز از ما می کشید اما دسته جمعی خودکشی نمی کنیم!

مهسا، نیکا، سارینا، آیلا، کیان، سیاوش، فواد، خدا نور، محسن، محمد و

تازه میشود، جنگ ادامه دارد! نه ما قبول نمی کنیم، نه ما کارگران این بردگی را تحمل نمی کنیم! زمستان جامعه هم تمام میشود، تماشا می کنیم، ایران در گیر و دار شکفتن یک بهار، یک انقلاب است!

یاد و نام جانباختگان و جگرگوشه هایمان بر بلندترین قله ها و بر جریده تاریخ ثبت است و در قلب سرخ مان محفوظ! در این جنگ ما پیروزیم و شما تمام شده اید و رفتی هستی، درست مثل زمستان! (برگرفته از مدیای اجتماعی)

سربداران محسن و مجید و محمد و سید محمد بی کس و کار، جای خالی صدها جانباخته و هزاران زندانی است.

آنسو تر شکمهای ورامنده که به ما وعده قناعت میدهند از پرخوری درحال ترکیدن اند. سرمایه داران از جان و خون ما پول پارو می کنند و خدایشان را شکرگذارند. آئی لعنت بر شما خون آشامان و فرصت طلبان و موج سواران! عجب عیدی است امسال، عید خون، عید فقر، عید فریاد و ناله مادران!

بهار آمد، طبیعت تازه شد، جامعه هم

بیشماران هر کدام ستاره بودند، نه آفتاب سوزان و یک گلوله آتش بودند، به پیکر زخمی و بیمار و ناامید یک جامعه درهم کوفته جان دادند، تا ایران ۱۴۰۱ گل سر سبد جهان شود.

و در این نروزی، در این عید خونین، چقدر جایشان خالی است. چقدر قلب بستگان و خانواده بزرگ انقلاب خونین و ریش ریش است، چقدر از جنایتکاران نفرت مان بی حد و حصر است، و چقدر عزم مان قدرتمند است که قسم بخون یاران ایستاده ایم تا پایان. آخرین پنجشنبه سال روی مزار عزیزان همه جا گلباران بود تا بگویم یادمان نرفته است! ما نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم!

بهار آمد و زمستان طبیعت سپری شد. لاقل کودکان کارتن خوابمان چند صباحی از سرما یخ نمی‌زنند. برای کارگران این عید خونین تر است، فقر و نداری کمرمان را شکسته است. برای ما سفره هفت سینی وجود ندارد، عیدی در تصور نمی گنجد، اگر هست نام جاوید و بلند

Hamid Taqvaei @Htaqvaei

امروز انقلاب بر دو پایه استوار شده است: "منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و مدنی" و "منشور مطالبات پیشرو زنان ایران"! مطالباتی که از عمق جامعه بر آمده اند و خواستهای همه مردم را نمایندگی میکنند. جا دارد همه نیروهای آزادیخواه به حمایت فعال از این دو منشور برخیزند!

pic.twitter.com/hWkbiZH208 #مهسامینی

Tweet übersetzen